

تحلیل وضعیت رفاه در ایران بر اساس شاخص‌های استاندارد جهانی

سعید طاهری[†] و مریم حسین‌زاده^{‡*}

[†] دانشگاه تربیت مدرس

[‡] دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده. این مقاله، با هدف بررسی وضعیت رفاه در جمهوری اسلامی ایران بر حسب شاخص‌های جهانی رفاه لگاتوم^۱ و شناسایی راه‌های دستیابی به رفاه در سطح استاندارد^۲ جهانی تهیه شده است. به علاوه، بررسی مقایسه‌ای گزارش‌های شاخص مزبور در طول سال‌های گذشته به این منظور صورت گرفته که مخاطبان علاقمند را ترغیب به توجه به وجوه تمایز این شاخص با سایر شاخص‌های رفاه نماید تا درک عمیق‌تری نسبت به رفاه و عملکرد دولت‌ها بدست آورند.

این بررسی به روش کتابخانه‌ای و مقایسه‌ای انجام شده است و برای درک و دریافت بهتر موضوع علاوه بر توجه به مفاهیم، پیشینه، اصول و مبانی رفاه به رویکردها و روش‌شناسی این شاخص‌ها، اشاره شده و درباره نحوه جمع‌آوری داده‌ها، شاخص‌ها و محاسبه رتبه رفاه به‌طور مقایسه‌ای در کشورها، تأثیر شاخص‌های مزبور را در کشورهای جهان بر رتبه کلی رفاه آن‌ها نشان می‌دهد. همچنین این مقاله با توجه به چالش‌های جهان در دستیابی به رتبه‌های بالاتر رفاه و نقش بحران‌ها، منازعات منطقه‌ای از یک طرف، و رونق اقتصادی و تجاری در کشورها از طرف دیگر، توجه نموده است. برای ارائه، تصویری از جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه منا (خاورمیانه و آفریقا) و در میان کشورهای اسلامی، وضع شاخص‌های رفاه آن را با این دو گروه از کشورها مقایسه نموده است. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از این است که جمهوری اسلامی ایران برغم تلاش‌های فراوان طی چند دهه‌ی گذشته هنوز نتوانسته نه تنها در کل کشورهای جهان بلکه در میان کشورهای منطقه منا و حتی در کشورهای اسلامی جایگاه درخور توجهی را بدست آورد.

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۳۰، پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۸.

نتیجه این مقاله دلالت بر این دارد که جمهوری اسلامی ایران علیرغم تلاش‌های متعددی که برای ایجاد رفاه، متناسب با امکانات و فرصت‌ها در مناطق مختلف و در مجموع کشور نموده است هنوز نتوانسته در رتبه‌بندی کشورها از لحاظ رفاهی، جایگاه مناسب و مطلوبی کسب کند. این وضع نامطلوب، حتی در دو منطقه منا و کشورهای اسلامی هم از این حیث جایگاه برجسته‌ای نیافته است.

واژگان کلیدی: رفاه، کیفیت اقتصادی، محیط تجاری، حکمرانی، آزادی شخصی، سرمایه اجتماعی، ایمنی و امنیت، آموزش، سلامت، محیط طبیعی، بهزیستی، کیفیت زندگی، شاخص شخصیت، رتبه بندی رفاه.

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر با رشد و گسترش جامعه مدنی و نقش روزافزون انسان‌ها در دستیابی به برخی از مظاهر پیشرفت و تمدن، مسئله رفاه فردی و اجتماعی تبدیل به یکی از مسائل مهم جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سایر علمای علوم مختلف از یکسو، و دولت‌ها از سوی دیگر شده است. از این‌رو، رفاه به مفهوم کلان آن می‌تواند نتیجه تلاش‌های ملی یک جامعه باشد که معمولاً با سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل می‌شود و به تبع، سیاستگذاران و رهبران در مسئولیت‌های اجرایی و رهبری آن جامعه نقش بسزایی پیدا می‌کنند. به‌علاوه رفاه، بیانگر سطح سلامت و کیفیت زندگی یک جامعه است. به همین دلیل، کشورهای مختلف با استفاده از تجارب دیگر کشورها و با درک نیازهای خود سعی کرده‌اند بر عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از فناوری‌های نوین، خلق ابزارهای جدید و با برآوردن استعدادهای جدید و نیز ظهور امکانات بیشتر و بهتر فائق آیند و از این روی، شرایط مطلوب‌تری را مهیا سازند. از سوی دیگر، بر پایه‌ی تجارب داخلی کشورها برخی از مؤسسات و نهادهای علمی و پژوهشی متعدد در جهان با این اندیشه برآمدند که چطور می‌توانند از این دستاوردها استفاده و از نتایج آن‌ها برای پیشرفت و توسعه سایر کشورها بهره‌برداری و الگوهایی را طراحی نمایند که سایر کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده از آن‌ها استفاده کنند ضمن اینکه به مجادلات و مباحث پیشین گذشته تا حدی خاتمه دهند. از طرف دیگر، می‌توان گفت در دهه‌های گذشته، نهادهای علمی و پژوهشی مختلف، با الهام از نتایج عملکرد نهادهای توسعه در جهان، و اصلاح آن روش‌ها به این فکر افتادند که با دقت بیشتر و با پرهیز از مداخلات مستقیم در

کشورها، و با روش‌های علمی دقیق‌تر اقدام به ارزیابی سازوکارهای جدید و الگوسازی‌های قابل فهم‌تر در سطح جهانی نمایند. بر همین اساس، مبادرت به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از درون کشورها کردند و با جمع‌بندهای مختلف متوجه شدند که به‌دلایلی برخی از کشورها در سطح مطلوبی قرار دارند در حالی که برخی دیگر از کشورها در مناطق خاصی از جهان یا دچار عقب ماندگی‌اند و یا به سختی می‌توانند به شرایط مطلوب رفاهی دست یابند. بر مبنای این تجارب و آگاهی‌ها، این مؤسسات از جمله مؤسسه پژوهشی لگاتوم به مجموعه‌ای از شاخص‌های خرد و کلان دست یافتند که مدعی‌اند می‌توانند سطوح کیفیت زندگی، سطح سلامت و رفاه کشورها را در مقایسه با یکدیگر بسنجند. برخی از کشورها، در طول تاریخ بشری با وجود فرآیندهای طی‌شده در نیل به تحول و پیشرفت، بیش و کم سیاست‌های رفاهی و اجتماعی خاصی داشته‌اند ولی با وجود این‌که مراحل توسعه‌یافتگی را پشت سر گذاشته‌اند هنوز از حیث سطح رفاه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در نتیجه نمی‌توان گفت هر کشوری که رشد و توسعه بالایی دارد دارای سطح رفاه بالایی هم هست. اگر چه میانگین درآمد سرانه و برخی دیگر از شاخص‌های اقتصادی می‌توانند تا حدی نشانگر رونق اقتصادی باشند ولی همه این‌ها لزوماً نمی‌توانند گویای سطح رفاه متناسب با آن شاخص‌ها باشد.

۲- پیشینه رفاه و تحول مفهومی آن

جامعه جهانی، و نیز هر یک از کشورها به‌طور خاص، بنا بر امکانات، شرایط و برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های فراوان، هر ساله از حیث پیشرفت، توسعه، کیفیت زندگی و سطح رفاهی دستخوش تغییراتی می‌شوند. همین امر باعث شده تا در سطح جهانی شاهد کشورهای مختلف از حیث سطح رفاهی و نه لزوماً توسعه باشیم. که خود سبب شکاف‌های بس عمیق در میان کشورها شده است. گو اینکه نابرابری‌ها و شکاف‌های طبقاتی درون کشورها نیز می‌توانند بسیار معنادار و برجسته باشند که این خود معلول عملکرد مدیریت و رهبری هر یک از کشورها خواهد بود.

صرف‌نظر از مباحث توسعه و آراء و مکاتب مختلف در این خصوص، تجربه‌ی جهانی به ویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، حاکی از این است که از نیمه دوم قرن بیستم به این سو و خاصه سال‌های آغازین قرن بیست و یکم مباحث دیگری عنوان شده‌اند که

بیش و کم حاکی از گفتمان‌های پساتوسعه یا موارد مشابهی می‌نمایند. زیرا، برخلاف مباحث توسعه که در نیمه دوم قرن بیستم در سطح جهانی توسط صاحب‌نظران و مکاتب مختلف مطرح می‌شدند از آغاز قرن حاضر با مجموعه‌ای از نهادهای علمی، پژوهشی مستقل از دولت‌ها و حکومت‌ها مواجه هستیم که خود دلیلی هستند بر رویکردهای جدید. اکنون با مروری بر عملکرد این مجموعه‌ها، متوجه انبوهی از گزارش‌های قابل توجه و جذابی از سوی آن‌ها هستیم که عموماً کشورهای جهان را از مناظر مختلف مورد بحث و مقایسه قرار می‌دهند از جمله، در خصوص سطح سلامت، کیفیت زندگی، سطح خوشبختی، رفاه، جذب سرمایه، فضاهای کسب و کار و طوری که هرکشوری می‌تواند وضع توسعه‌ای خود را در آینه‌ی این گزارش‌ها مشاهده کند و بر همین مبنا هر کشوری نیز با سیاستگذاری‌هایی صحیح و بی‌طرفانه، و با اتکاء به داشته‌های خود و با عنایت به شاخص‌های معرفی شده، و حتی با روش‌های کارآمد و علمی می‌تواند وضعیت سطح ملی خود را در مقایسه با دیگر کشورها گزارش کند طوری که با توجه به سرعت تحولات جهانی، چنانچه کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده به موقع به این ضرورت جامه‌ی عمل نپوشند با خطرات جدی‌تر مواجه خواهند شد تا آنجایی که فاصله آن‌ها با جوامع توسعه‌یافته بیشتر و بیشتر خواهد شد. از طرف دیگر اگر چه به ظاهر، کشورها تحت تأثیر جهانی شدن، انفجار اطلاعات و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی رنگ و بوی مشابهی پیدا کرده‌اند ولی نباید نادیده انگاشت که ماهیت هر کشوری بنا بر فرهنگ و تمدن و تاریخ حیات خود، با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارند.

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای درگیر جنگ و حتی آن دسته از کشورهایی که درگیر جنگ نبودند ولی سایه جنگ و شرایط جهانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده بود به فکر افتادند، تا هم به آثار نابسامانی‌های ناشی از جنگ بپردازند و هم راه‌حلی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و تسریع بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی خود پیدا کنند. لذا رویکردهای جدید پس از جنگ، فضای سیاست، اقتصاد و جامعه را تغییر داد و هر یک از کشورها به نوبه‌ی خود، بر حسب تحلیل و برداشت‌های واقعی از شرایط، راه‌حل‌ها و رویکردهای خاصی را برای رفع مشکلات و کمبودها در پیش گرفتند. برخی از این جوامع سیاست‌های اجتماعی را به جد مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار دادند و رژیم‌های سیاسی خاصی را شکل دادند که مأموریت اصلی آن‌ها ارایه سیاست‌های تأمین اجتماعی، و دیگر حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی با هدف ارتقاء شرایط زندگی و رفاه عمومی جامعه

بود که این نوع دولت‌ها، به دولت‌های رفاه موسوم شدند. البته کشورهای دیگری نیز مثل ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا و آلمان و دیگر کشورهای مشابه غربی اگر چه دولتی با چنین نامی نبوده‌اند ولی رفع مشکلات اجتماعی و تأمین خدمات عمومی برای مردم در دستور کار آن‌ها بوده است. همین سیاست در کشورهای در حال توسعه بیش و کم نیز مانند کشورهای صنعتی نتیجه طبیعی سیاست‌های مدرن در زمینه اقتصادی و اجتماعی بود. در آن ایام بخشی از بلوک قدرت در جهان به کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی تعلق داشتند که در عمل پس از دو جنگ جهانی سیاست‌های مشابهی را دنبال کردند. بر همین اساس «بسیاری از کشورها قسمت عمده‌ای از منابع و امکانات خود را به تأمین و تضمین حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه تخصیص دادند» [۶].

اما در شرایطی که کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه از لحاظ تأمین مالی به این مرحله نرسیده بودند که بتوانند چنین سیاست‌هایی را مورد اجرا قرار دهند کشورهای مثل انگلستان، هلند و سوئد تا حدود ۲۰ درصد درآمد ملی خود را صرف همین طرح‌های مختلف اجتماعی می‌کردند [۶]. گرچه تحولات چشمگیر در جهت رفاه اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم ظاهر شد ولی با بروز دیدگاه‌هایی که از قرن هجدهم تحت عنوان مطلوبیت و خوشبختی مطرح شده بود در سال‌های دهه ۱۹۵۰ رونق بیشتری پیدا کرد که عملاً نهادهای سیاسی و اجتماعی آن دسته از کشورهایی که مدافع سیاست‌های اجتماعی و رفاه عمومی شده بودند در همین جهت سوق یافتند. به‌علاوه در سال‌های نیمه دوم ۱۹۵۰، از رفاه معانی مختلفی ارائه شد برخی معانی بسیار وسیع برای آن در نظر گرفتند و برای مثال آن را از شادکامی، تأمین ترجیحات و نیازها، تا رهایی فرد از وابستگی خود از نظر رفاهی به دیگران در طول تاریخ بشری تعریف کردند [۷]. در سال‌های دهه‌ی ۷۰ به ویژه در سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ این مفهوم به مجموع اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی که در جهت ارضاء نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی عمل می‌نماید، اطلاق شد و در سال‌های اخیر بر مجموعه شرایطی دلالت می‌کند که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است [۱۰]. البته همه‌ی این معانی به مفهوم نادیده گرفتن قوانین، مقررات و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و سعادت انسان وضع می‌شوند نیست. زیرا، با هر تعریفی که به رفاه فردی و رفاه اجتماعی نگریسته شود نمی‌توان شرایط ویژه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی هر جامعه‌ای را نادیده انگاشت به همین دلیل امروزه این

تعریف بسیار وسیع تر دیده می‌شود.

گذشته از این تعاریف، عموماً همه‌ی دولت‌ها در کشورهای مختلف مسئولیت تأمین خدمات و فراهم ساختن شرایط ایجاد رفاه در جامعه متبوع را بر عهده می‌گیرند و از این رو خود را ملزم به امور نهادسازی، سیاست‌گذاری، وضع قوانین و مقررات، خلق منابع مالی جدید و ایجاد زمینه‌ها و شرایط رشد و تحول اقتصادی در جهت نیل به عدالت و برابری در جامعه می‌کنند. در برخی از دولت‌ها که اصطلاحاً دولت‌های رفاهی محسوب می‌شوند وظیفه سازماندهی کمک‌های اجتماعی و اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی به این مجموعه وظایف افزوده می‌شود. در واقع در دولت‌های رفاه، کمک‌های اجتماعی را به سالمندان، کودکان والدین از دست داده، معلولان و نیز حمایت از اقشار آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، مددکاری اجتماعی و هزینه‌های درمان و مراقبت‌های پزشکی رایگان به نیازمندان صورت می‌گیرد.

به سخن دیگر، سیاست تأمین اجتماعی در چنین دولت‌هایی بسیار گسترده‌تر از سایر دولت‌هایی است که رفاه اجتماعی و رفاه فردی در آن‌ها مورد توجه است. بنابراین می‌توان گفت به‌طور کلی تأمین اجتماعی از یک طرف در همه‌ی کشورها، به ویژه در دولت‌های رفاه، دلالت بر کمک‌هایی در قالب سیاست‌های اجتماعی و برنامه‌هایی می‌کند که با پرداخت پول، خدمات، بیمه‌های اجتماعی، تأمین خدمات درمانی رایگان یا کم هزینه در مواقع بیکاری، پیری، بیماری، از کارافتادگی، بحران‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و ... انجام می‌شود. و از طرف دیگر، مفهوم رفاه فراتر از تأمین اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. به‌طوری که نقش دولت و ساختار سیاسی جامعه به‌گونه‌ای عمل می‌کند که برای حسن انجام وظایف مزبور همکاری و سازگاری با گروه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد تا همواره سطح رفاه فردی و اجتماعی در حد مطلوب حفظ و ارتقاء یابد به همین دلیل، دولت رفاه نقش عمده و اساسی در کنترل و کاهش مخاطرات اجتماعی نیز ایفا می‌کند.

با این حال، نمی‌توان گفت که همه‌ی دولت‌های رفاه نقش‌ها و کارکردهای مشابهی دارند زیرا در انواع دولت‌های رفاه، رژیم محافظه کار در اروپای قاره‌ای حکم فرماست، ضمن این‌که از گسترش خدمات اجتماعی جلوگیری می‌کند، به حمایت از خانواده‌های با نان‌آور مذکر می‌پردازد. ولی در رژیم‌های لیبرالی مثل امریکا ساز و کارهای اتخاذی در جهت پیشینه ساختن اتکا به بازارهای کار قطبی‌شده، اعمال می‌شود و در عین حال به ارائه کمک‌های هدفمند در جهت بی‌نیاز ساختن مادران مجرد از مساعدت‌های اجتماعی

می‌پردازد یا در کشورهای اسکاندیناوی، که رژیم سوسیال دموکراتیک حاکم است، فرض بر این است که ارائه فراگیر خدمات اجتماعی وظیفه دولت است [۳].

با جهانی شدن اقتصاد و گسترش پیوندهای روزافزون اقتصادی کشورها به یکدیگر، آمارها، داده‌ها و شاخص‌های مقایسه‌ای بین کشورها اهمیتی بیش از پیش پیدا کرده‌اند. بر پایه همین داده‌ها و اطلاعات برخی از نهادها و مؤسسات علمی و پژوهشی در سطح جهانی درباره موضوعات مختلف چنین مقوله‌ای اقدام به گردآوری و انتشار داده‌ها و شاخص‌های مقایسه‌ای نموده‌اند. شاهد مثال این‌که در سال‌های اخیر، به وفور شاهد مراکز و مؤسسات مختلف فعال جهانی هستیم که در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... در تلاش‌اند که به صورت ادواری و سالانه مبادرت به ارائه گزارش‌های جهانی نمایند. یک نمونه آن در حوزه رفاه مؤسسه لگاتوم است که یک مؤسسه مستقل پژوهشی است که در کشور بریتانیا قرار دارد و مبادرت به مطالعه و سیاست‌گذاری در زمینه رفاه در کشورهای جهان می‌کند. این مؤسسه هر ساله با جمع‌آوری داده‌های لازم گزارشی را درباره شاخص رفاه کشورهای جهان منتشر می‌سازد. شاخصی که این مؤسسه در این زمینه ارایه می‌کند موسوم به شاخص «رفاه لگاتوم» است که به‌عنوان یکی از شاخص‌های جهانی محسوب می‌شود و تغییرات رشد و انگیزه‌های پیشرفت را در بلندمدت با هدف مشخص نمودن کشورهایی که بیشترین گام را در جهت پیشرفت خود برای رفاه برداشته‌اند، نشان می‌دهد. این شاخص با مشخص کردن نقشه راه کشورها در دستیابی به رفاه یا دور شدن از آن تلاش می‌کند تا به جهان نشان دهد، ملت‌ها با چه روش‌هایی می‌توانند از فقر به سوی رفاه سوق پیدا کنند.

بر اساس مطالعات جدید «شاخص رفاه یک عنصر کلیدی موثر بر کیفیت زندگی افراد و نیز به‌عنوان شاخص تعیین‌کننده برای کشورها در جهت رقابت اقتصاد جهانی شناخته می‌شود» (گزارش‌های شاخص رفاه لگاتوم، در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸) و از آن‌جا که کشورها از اقتصاد مبتنی بر تولید به سوی اقتصاد مبتنی بر خلاقیت و نوآوری یا دانش سوق پیدا می‌کنند، می‌بایست از طریق تقویت تولید و صنعت، ایجاد اشتغال و تشویق سرمایه‌گذاری، بتوانند به رشد اقتصادی خود کمک کنند.

به‌علاوه، همه‌ی کشورهای جهان در فرایند توسعه و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی خود با مسأله و مقوله رفاه مواجه هستند. زیرا رفاه در جهان امروز همان‌طور که ذکر شد تبدیل به بخشی از زندگی و فرهنگ اجتناب‌ناپذیر انسانی شده و از این رو با تمام ارکان زندگی بشر

گره خورده است. بر این اساس، یکی از برنامه‌های عمده دولت‌ها در جوامع مختلف عبارت از تأمین بهزیستی، شادکامی و سعادت انسان‌ها یعنی چیزی فراتر از اقدامات حمایتی، بیمه‌ای و امدادی است.

به‌همین دلیل، همه‌ی کشورها در راستای فعالیت‌های خود بیش و کم به رفاه ملی خود نیز می‌اندیشند و در حد امکانات خود در جهت تأمین آن اقدام می‌کنند کما این‌که شواهد و اسناد مختلف و سطح توسعه و پیشرفت آن‌ها موید این است که هر ساله اقداماتی در این خصوص به عمل می‌آورند و مؤسسات بین‌المللی نیز بر مبنای آمار و داده‌های این فعالیت‌ها مبادرت به جمع‌آوری اطلاعات و محاسبه سطح رفاه آن‌ها می‌نماید. شایان ذکر است از گذشته تا حال، جمهوری اسلامی ایران نیز برای افزایش سطح عمومی رفاه اقداماتی انجام داده است، اسناد و شواهد چه پیش و چه پس از انقلاب حاکی از این است که زیرساخت‌های عمده‌ای شکل گرفته‌اند. ولی از نظر قلمرو سرزمینی و تا حدودی پراکندگی جمعیت هنوز مناطق زیادی در این کشور از شرایط مناسب رفاهی برخوردار نیستند. همچنین با وجود این‌که در پیش از انقلاب نظام تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی و سیاست‌هایی در همین زمینه شکل گرفتند و پس از انقلاب نیز قدم‌هایی در جهت وضع قوانین و مقررات نیز برداشته شد و در عین حال در برخی از زمینه‌ها، شاخص‌های عمده رفاه مورد توجه قرار گرفته‌اند، و شاهد مثال این‌که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ناظر بر همین موضوع است و در بسیاری از اصول آن از جمله در اصول ۲۸ و ۲۹ تأکید زیادی بر رفاه و آسایش عمومی و تأکید بر بیمه همگانی تأمین اجتماعی، بهداشت عمومی جامعه و ... کرده است و به تبع آن در طرح‌ها و برنامه‌های متعدد نیز کم و بیش به افزایش رفاه عمومی، و برنامه‌هایی مبنی بر توسعه کشور اهتمام شده است اما، به‌دلایل متعددی از جمله آزادی‌های فردی، عدم وجود حکمرانی مناسب، فقدان فضای مناسب کسب‌وکار، کاهش سرمایه‌گذاری و ... هنوز این کشور نتوانسته خود را با استانداردهای کشورهای پیشرفته و حتی برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه هم تراز سازد [۸].

۳- مبانی نظری رفاه

در زمینه رفاه دیدگاه‌های متعددی از یونان باستان (زمان افلاطون و ارسطو) تا به امروز مطرح شده‌اند. در هر دوره‌ای صاحب‌نظران مختلفی از این مقوله، مفاهیم و تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند. به طوری که امروز می‌توان این نظریه‌ها را به دو دسته سنت‌گرا و مدرن طبقه‌بندی کرد و از طرف دیگر، رفاه به سطوح مختلفی نظیر رفاه فردی، رفاه اجتماعی، رفاه خانواده و رفاه ملی قابل تفکیک است و بر همین اساس، در توصیف و تحلیل رفاه باید توجه داشت که کدامیک از این ساخت‌ها مورد توجه است. به‌عنوان مثال جرمی بنتام از اولین کسانی بود که به تعریف رفاه پرداخت. او مفهوم این اصطلاح را به‌عنوان بهره‌مندی یا مطلوبیت یا به منزله خیر و خوشبختی فردی که قابل اندازه‌گیری است تعریف نمود. با این حال تأکید او بر این بود که با بیشترین خوشی و خوشبختی تعداد ممکن افراد جامعه مورد توجه باشد. به عبارت دیگر، بنتام عمده‌تاً بیشترین خوشی (شادی/خوشبختی) جامعه بشری، یعنی خیر یا رفاه عام به معنای خیر و صلاح هر یک از آحاد جامعه سیاسی بشری را در مد نظر داشت [۹].

این مفاهیم در گذر زمان رفته رفته از مفهوم فردی به مفهوم اجتماعی ارتقاء یافت برای مثال، می‌توان به بحث‌های منسجم و مهمی در این حوزه به هگل اشاره کرد؛ زیرا به نظر می‌رسد یکی از پایه‌های تفکر در زمینه‌ی «رفاه اجتماعی» به «نظریه اخلاقی دولت هگل» باز می‌گردد. بر مبنای این نظریه، وظیفه‌ی اخلاقی دولت، حفظ امنیت و ایجاد اعتماد عمومی در جامعه در جهت حفظ منافع یکایک افراد جامعه است و عدالت در این زمینه نقش بسزایی بر عهده دارد. و زمانی که عدالت، بعد اجتماعی به خود می‌گیرد، احساس امنیت و رفاه در افراد جامعه رو به پایداری می‌گذارد. وضعیت عینی آن در مباحث مرتبط با اقتصاد رفاه نیز به خوبی مشهود است و در این ارتباط گفته می‌شود «اقتصاد رفاه می‌تواند اساساً با بذل توجه بیشتری به اخلاق تقویت شود» [۵]. با این بیان، در واقع ارتباط دو سویه این دو مورد تأکید قرار می‌گیرد و شاید از همین رو است که گفته می‌شود «خط‌مشی راه اجتماعی باید همانند محافظی در برابر خطرهای اخلاق جامعه عمل کند» [۲].

مضافاً، می‌توان گفت رفاه یک مفهوم عمومی و مدرن است. رفاه در چارچوب تمایزاتی که در دوره مدرن به رسمیت شناخته شد امکان ظهور پیدا کرد. این مفهوم با رویکردها و در مکاتب مختلف مورد بحث قرار گرفته و هر یک مسیر خاصی را پیموده‌اند. به علاوه رفاه در

رشته‌های علوم اجتماعی از جمله اقتصاد و جامعه‌شناسی با تعاریف و مفاهیم مختلف مورد بحث قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد، یکی از مبانی مهم در مباحث اقتصاد رفاه کلاسیک، نوع نگاه به انسان است. اما شکست بازار در سعادت‌مند کردن بشر، این‌گونه نظریه‌ها را دچار بحران کرد و نظریه‌های رفاه اجتماعی نوین که عمدتاً نشأت گرفته از برای نارسایی‌های ادعاشده، در مورد بازار مبتنی بر فلسفه فردگرایی است. از طرف دیگر، مسئولیت عمومی، گامی فراتر از مشارکت عمومی ایجاد کرده است، و در رویکرد های جدید، مسئولیت جامعه در قبال آحاد مردم عبارت است از شادکامی، تامین امنیت، درآمد، اشتغال و مسکن و.... (فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۰).

در واقع، رفاه اجتماعی در جامعه بر این فرض استوار است که دولت صلاحیت برقراری «رفاه» را دارد. از این روی، هر دولتی (مدرن) با چنین دخالتی می‌تواند بخشی از این مسئولیت را داشته باشد. از طرف دیگر این نکته مورد توجه است که رفاه یک مفهوم چند بعدی است و نمی‌توان آن را با شاخص تولید ناخالص ملی سنجید زیرا به عواملی چون وضعیت اجتماعی، امنیت، سلامت، آموزش و روابط میان شهروندان و نهادهای اجتماعی بشدت وابسته است. بر عکس، شاخص ترکیبی رفاه بر رشد و پیشرفت جامعه مؤثر است. به همین دلیل، همه‌ی کشورها درصدد هستند تا آن دسته از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را تدارک ببینند که به بهبود رفاه اجتماعی می‌انجامد. زیرا رفاه صرفاً متکی بر انباشت ثروت مادی نیست بلکه شادمانی و رضایت از زندگی، کیفیت زندگی و امید به داشتن زندگی بهتر را در آینده نیز در بر می‌گیرد.

بنابراین چون رفاه در عصر مدرن، همواره از دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی مورد بحث بوده سبب شده که درباره آن دیدگاه‌های مختلفی مطرح شوند ولی گویی همه‌ی صاحب‌نظران و مکاتب مختلف درصدد معرفی یک جانبه جامعه‌ی پیشرفته و توسعه‌یافته برآمده‌اند که این سطح توسعه‌یافتگی را با شاخصی به نام رفاه بسنجند اما این‌که چه عواملی در ایجاد چنین جامعه‌ای نقش دارند هنوز جای بحث دارد [۱۳].

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، در تعریف رفاه اجتماعی تغییر و تحول بسیاری ایجاد شده است. مضامین متون مرتبط با جامعه‌شناسی و اقتصاد نشان می‌دهند که رفاه و بهزیستی به معنای بهتر زیستن، تنها به اقشار آسیب‌پذیر و یا گروه خاصی از افراد جامعه محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری دارد. همان‌طور که سازمان بهداشت جهانی درباره‌ی

سلامت بر این نکته تأکید می‌کند که فردی واجد سلامت شناخته می‌شود که به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشد. همین شرایط در شکل گسترده‌تر در مورد رفاه افراد یا جامعه نیز صدق می‌کند. زیرا یکی از ویژگی‌های مهم رفاه اجتماعی آن است که فرد از احساس سلامت، امنیت و شادمانی بالایی برخوردار باشد. به این ترتیب، رفاه در هر جامعه‌ای از ارکان و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل می‌شود.

گذشته از زمینه‌های تاریخی نظریه رفاه، دیدگاه‌های متعددی از زمان‌های دور تا به امروز توسط دانشمندان و علمای سیاسی، فلسفی و اقتصادی و اجتماعی مطرح بوده‌اند که نشان از آن دارند که در هر دوره‌ای بر مبنای شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تعاریف خاصی مطرح شده است به‌ویژه تعاریف ارائه شده بستگی به حوزه‌ی نظری مورد بحث دارد. زیرا هر صاحب‌نظری بر پایه‌ی حوزه‌ی تفکر خود رفاه را تعریف نموده است اگر چه ممکن است بی توجه به سایر جنبه‌ها نبوده باشد ولی مضمون اصلی مفهوم رفاه دقیقاً مرتبط با رویکرد اقتصادی، اجتماعی و فلسفی است و در عین حال وابسته به سطح واحد تحلیل آن است. به‌علاوه مبنای نظری رفاه مشروط به این است که آیا در سطح فردی، خانوادگی، سازمانی، اجتماعی یا ملی بحث می‌شود که هر یک از این سطوح به سطوح دیگر قابل تفکیک است زیرا، سطح تعریف و واحد تحلیل مشخص می‌سازد که پژوهشگر یا صاحب‌نظر باید به دنبال چه عوامل و شاخص‌هایی باشد.

از طرف دیگر، باید به این نکته نیز توجه داشت که رفاه در هر دوره‌ای شرایط خاص خود را دارد. بعضی از این مباحث با شرایط نهادها و ابزارهای سنتی مرتبط هستند برای مثال در شرایط سنتی رفاه فردی و خانوادگی و حتی اجتماعی از طریق خانواده، گروه‌ها و سازمان‌های خیریه‌ای و دینی تأمین می‌شود در حالی که در شرایط مدرن، تأمین رفاه متناسب با واحد تحلیل رفاه، قابل درک و تأمین خواهد بود. برای مثال، رفاه فردی بر اساس رویکردهای نظری به اشکال مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد در حالی که ممکن است در رویکرد دیگری موضوع رفاه اجتماعی یا رفاه ملی باشد در این‌جا نهادها، شاخص‌ها و عوامل دیگری در چارچوب مفهومی آن مورد توجه قرار می‌گیرند. به‌عبارت دیگر در شرایط مدرن جامعه صنعتی و پسا صنعتی عموماً تأمین رفاه، مبنای دیگری پیدا می‌کند طوری که این‌گونه نهادها اعم از خرد و کلان مدخلیت خواهند داشت.

اما از آن‌جا که در دوران مدرن، مقوله رفاه از درجه اهمیت بسیار زیادی برخوردار شد دولت‌ها و مجامع بین‌المللی به این مباحث ورود کردند و چون این مسئله قبلاً تا حدودی

برای همه‌ی کشورها موضوعیت پیدا کرده بود مفاهیم جدیدی در این خصوص بیان شدند و در نتیجه مبنای رویکردها و اقدامات آن‌ها در این خصوص قرار گرفت. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر با این مضمون به تصویب رسید که اولاً هر فردی حق تأمین دارد ثانیاً هر فرد حق داشتن سطح زندگی کافی برای سلامت خود و خانواده‌اش را دارد ثالثاً هر فرد هنگام بیکاری، پیری و از کارافتادگی و سایر پیش‌آمدهای ناگوار حق برخورداری از تأمین اجتماعی دارد و نهایتاً زنان و کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر نیز از حق دریافت کمک‌های خاص برخوردار هستند [۱].

در واقع پیدایش جوامع مدرن و گسترش شهرنشینی، شکل‌گیری خانواده هسته‌ای و سایر اشکال آن و نیز نظام‌های اقتصادی پیچیده و کلان به تدریج نگرش‌های جدیدی نسبت به رفاه اجتماعی فراهم ساختند. این دگرگونی در مفاهیم و محتوای رفاه اجتماعی سبب شد که روش‌های مداخلات دولت‌ها و نوع مسئولیت آن‌ها در قبال رفاه اجتماعی نیز تغییر کند. طوری که برخی اهمیت و اولویت را به فرصت‌های اجتماعی و رضایت از زندگی داده‌اند و برخی تأکید بر ارائه خدمات بهتر در قالب یارانه‌ها، گسترش چترهای حمایتی، امدادی و بیمه‌ای و نموده‌اند. با این حال آن‌چه در این امر، سبب بروز اختلافاتی شد این است که ممکن است برخی از برنامه‌ریزان کلان و سیاستگذاران رفاه اجتماعی توجه خود را معطوف به سطح فردی یا خانواده کنند و سپس مفهوم رفاه را به تأمین حداقل نیاز فرد تقلیل دهند که این خود برنامه‌های اصلاحی فقرزدایی، بیکاری و را به‌دنبال خواهد آورد. زیرا، تأکید بر رفع نیازهای فرد و خانواده جای خود را به تلاش برای ارتقاء وضع اقتصادی می‌دهد. به‌عبارت دیگر، نگرش ساختاری را تبدیل به نگرش آسیب‌شناختی می‌نماید. در نگرش فردگرایانه به مساله رفاه آن‌چه اهمیت می‌یابد حل یا کنترل مسائل اجتماعی، تأمین نیازها و تأمین فرصت‌های اجتماعی است [۴].

۴- دیدگاه‌های نظری لگاتوم درباره رفاه

در گزارش لگاتوم منظور از رفاه (Welfare) سطحی از بهزیستی و میزان برخورداری افراد یک جامعه از امکانات مادی و معنوی موجود است از این روی رفاه از جنبه‌های اقتصادی و جامعه‌شناختی ابعاد متعددی از جمله زیستی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد به‌همین دلیل است که امروزه جهان و درون کشورها به آن توجه دارند اما آن‌چه در گزارش

مؤسسه پژوهشی لگاتوم مشاهده می‌شود این است که طی نزدیک به دو دهه از فعالیت ضمن این‌که هرساله در روند فعالیت خود نسبت به شاخص‌ها و عوامل تشکیل دهنده رفاه اصلاحاتی را به وجود آورده است اما همه‌ی این‌ها تا حدود زیادی از لحاظ واحد تحلیل رفاه با جنبه‌های فردی، خانوادگی، اجتماع محلی و اجتماعی متفاوت است زیرا این مؤسسه واحد تحلیل خود را در بررسی شاخص رفاه، رفاه کشور می‌داند. به همین دلیل مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و معرف‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد که معمولاً صاحب‌نظران داخلی کشورها در تجزیه و تحلیل رفاه از مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری استفاده می‌کنند. به این ترتیب باید تأکید کرد که این مؤسسه، هدف خود را در مجموع معطوف به رقابت و مقایسه کشورها کرده است یعنی عملکرد هر دولتی یا کشوری را از منظر رفاه مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع به طور ساده‌تر می‌توان گفت تجزیه و تحلیل رفاه در هر کشوری مبتنی بر عملکرد دولت‌هاست. مؤسسه لگاتوم برای درک بهتر این مفهوم و نحوه محاسبه مؤلفه‌های رفاه، شاخص‌های کلانی را معرفی می‌کند که لازم است یک به یک مورد توجه قرار گیرند.

کیفیت اقتصادی، یعنی برخوردار بودن از بنیان‌های اقتصادی سالم و با ثبات، که سبب افزایش درآمد سرانه و افزایش سطح کلی رفاه می‌گردد و یکی از متغیرهای اساسی در توسعه اجتماعی است و نشان می‌دهد که چگونه یک کشور توانسته تولید ثروت کند و این ثروت چگونه بین شهروندان تسهیم شده است. یک اقتصاد قوی به مشارکت نیروی کار بالا، رقابت تجاری و میزان دسترسی به تجارت و داد و ستد در آن کشور بستگی دارد.

در ضمن در یک کشور نه تنها میزان ثروتی که تولید و سنجیده می‌شود مهم است بلکه مهم‌تر آن است که تا چه اندازه استاندارد زندگی برای شهروندان فراهم شده است.

محیط تجاری، در هر کشوری قدرت محیط تجاری یک ملت عامل مهم و تعیین‌کننده در تعیین رفاه آن کشور است. یک محیط تجاری قوی شرایط و فضای خلاق و کارآفرینی را فراهم می‌سازد. ایده‌های جدید و فرصت‌هایی را برای پیشگیری ایجاد می‌نماید که منجر به رفاه و بهزیستی اجتماعی و ثروت بیشتر می‌شود.

حکمرانی، اصولاً جوامعی که به خوبی اداره می‌شوند، از سطوح بالای رشد اقتصادی و رفاه شهروندان برخوردارند. ماهیت حکمرانی یک کشور بر رفاه آن تأثیر مادی دارد. حاکمیت قانون، نهادهای قوی و کیفیت مقررات به طرز حائز اهمیت به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. حکومت‌های مؤثر، منصف و مسئولیت‌پذیر اعتماد عمومی را بالا می‌برند و نهایتاً به سطوح بالایی از رضایت زندگی در میان شهروندان دست می‌یابند.

آزادی فردی، در کشوری که شهروندان از آزادی بیان، عقیده و تشکل برخوردارند، اصولاً سطوح بالاتری از درآمد و رفاه را تجربه خواهند نمود. جوامعی که به حقوق مدنی و آزادی‌های فردی و اجتماعی احترام می‌گذارند و در عین حال این حقوق را ایجاد کرده‌اند نشان داده‌اند که از سطوح بالاتری از رضایت در میان شهروندان خود برخوردار هستند. به‌علاوه، کشوری از سطوح بالای درآمد طبیعی برخوردار می‌شود که شهروندان آن از آزادی‌های فردی برخوردار بوده و در عین حال مورد حمایت باشند، و از تنوع اجتماعی آن‌ها در جامعه استقبال می‌شود تا موجب برانگیخته شدن نوآوری در آن شود. بنابراین این نوع از آزادی‌ها در برگیرنده حقوق شهروندی و آزادی‌های افراد جامعه است.

سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی در جامعه از انسجام و پیوستگی برخوردارند و زمانی ایجاد می‌شوند که مردم به یکدیگر اعتماد داشته و رعایت احترام یکدیگر را بکنند، در هر جامعه‌ای این نوع ویژگی‌ها بر رفاه اثر مستقیم می‌گذارند. وقتی بهزیستی یک فرد در جامعه تأمین می‌شود که آحاد مردم به یکدیگر اعتماد کنند و به نوعی از دوستان و خانواده خود حمایت به عمل آورند. عموماً جوامع با سطوح پایین‌تر سرمایه اجتماعی سطوح پایین‌تری از رشد اقتصادی را تجربه می‌نمایند. بر این اساس شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک دارایی یا «سرمایه اجتماعی» تلقی می‌شوند که هم به درآمدهای اقتصادی کمک می‌کند و هم سبب بهبود بهزیستی و شادکامی در جامعه می‌شوند. بنابراین به اجمال می‌توان گفت سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات فردی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای جامعه و مشارکت مدنی است.

ایمنی و امنیت، با به خطر افتادن امنیت ملی و ایمنی شخصی، سطوح درآمد و رفاه به خطر می‌افتد. ایمنی و امنیت هر دو با تأمین رفاه همسو هستند. شرط ضروری برای جذب سرمایه و پایداری رشد اقتصادی، وجود یک محیط امن و پایدار است. بهزیستی مردم به امن بودن شرایط زندگی و ایمنی فردی بستگی دارد. به عبارت دیگر، یک ملت صرفاً در یک محیط امن و ایمن برای شهروندان خود می‌تواند به رفاه دست یابد و به همین دلیل است که در گزارش رفاه لگاتوم امنیت ملی و فردی شهروندان را به‌طور توأمان در نظر می‌گیرد.

آموزش، عامل مؤثر و برجسته برای جوامع موفق آموزش است. دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش و سرمایه انسانی در حوزه‌ی آموزش مطرح می‌شوند. برای جوامع مرفه و پیشرفته آموزش و سرمایه انسانی به مثابه‌ی بلوک‌های ساختمانی است. زیرا انباشت

سرمایه انسانی به رشد اقتصادی کمک می‌کند، آموزش نیز بر افزایش سطوح درآمد سرانه اثر می‌گذارد. به علاوه، هر چه افراد بیشتری در معرض آموزش قرار گیرند فرصت بیشتری می‌یابند تا حیات کامل‌تر و پویاتری داشته باشند. بی‌تردید جمعیت دانش‌آموخته ظرفیت و توانمندی بهتری جهت کمک به جامعه دارد.

سلامت، جامعه‌ای که از زیرساخت‌ها و شالوده‌های سلامت قوی برخوردار است، شهروندان را قادر می‌کند تا از سلامت ذهنی و فیزیکی مناسب، لذت برده و به سطوح بالاتری از درآمد و رفاه دست یابند. لذا برای این‌که یک ملت از رفاه برخوردار باشد لازم است شهروندان آن دارای سلامتی مطلوب و خوب باشند. آن‌هایی که از سلامت فیزیکی و بهداشت روانی بهتری برخوردار هستند از سطوح بالاتری از بهزیستی برخوردار می‌شوند. به علاوه، سلامت جامعه قابلیت‌های افراد را از آسیب مصون می‌سازد.

محیط طبیعی، محیط طبیعی با کیفیت بالا، احساس بهزیستی و رضایت را برای جمعیت کشور از طریق خصوصیات عواملی همچون مادی (نظیر کیفیت هوا)، اجتماعی (محیطی سبز برای گردهمایی) یا نمادین (مثل غرور و افتخار نسبت به پارک‌های ملی) فراهم می‌سازد. یک محیط با کیفیت بالا می‌تواند مزایای مادی و اقتصادی پایداری را تأمین کند که همه این‌ها به محیط طبیعی آن کشور بستگی دارد. بر این اساس، محیط طبیعی بر سه مسأله کیفیت محیط طبیعی، فشارهای زیست محیطی و تلاش و اقدامات مربوط به حفاظت از محیط زیست در هر کشوری مورد توجه است.

۵- اصول و پیش فرض‌های گزارش لگاتوم

در واقع، شاخص رفاه لگاتوم چارچوبی است که کشورها را از حیث افزایش شکوفایی، ثروت و رفاه شهروندان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. زیرا کیفیت رفاه در زندگی عموماً فراتر از شاخص‌های کلان اقتصادی و زندگی سنتی یک ملت دیده می‌شود در حالی که در زندگی سنتی صرفاً بر شاخص‌های ثروت نظیر میانگین درآمد سرانه در کشورها تأکید می‌شود. این شاخص در پی آن است که شیوه‌ای را باز تعریف نماید که بتواند موفقیت ملی را سنجش کند، یعنی تغییر گفتگو از آن‌چه در حال وقوع است تا جایی که دستیابی به رفاه ممکن شود. بنابراین شاخص یا سنجش پیشرفت انسانی، چشم‌اندازی از رفاه را ارائه می‌دهد که در حال شکل‌گیری و در سراسر جهان در حال تغییر است. برای منظور کردن شاخص ثروت و

شاخص رفاه نمی‌توان یکی را از دیگری منفک کرد. شاخص رفاه با چالش منابع تامین درآمد و مفهوم شاخص موفقیت ملی روبروست. در این جا بر ایجاد شاخصی که به لحاظ روش‌شناختی قابل فهم باشد تمرکز شده است. مؤسسه لگاتوم با دقت علمی و تحلیلی به این موارد اهتمام می‌ورزد.

این مؤسسه از بدو فعالیت خود در این خصوص تا سال ۲۰۱۸ تلاش کرده هر ساله اصلاحاتی را بر نحوه جمع‌آوری داده‌ها و بهبود شاخص‌ها فراهم سازد. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۶ شاخص رفاه از منظر روش‌شناختی مورد تجدید نظر قرار گرفت و از مراکز تحقیقاتی و علمی و مشاوران ورزیده سیاست‌های اجتماعی کمک گرفت. هدف این بود که رفاه به صورت واقعی‌تر سنجش شود تا هم شفاف و هم به لحاظ سیاسی مناسب باشد. بر این اساس تحقیقات نظری و تجربی در مورد عوامل تعیین‌کننده ثروت و بهزیستی به‌صورت ترکیبی انجام شد تا این شاخص توجه به رفاه را از منظر ۹ مؤلفه و با استفاده از ۱۰۴ معرف مورد بررسی قرار دهد. با اطمینان می‌توان گفت که همه‌ی این معرف‌ها رابطه رضایت‌بخش و معناداری با حداقل ثروت و بهزیستی نشان می‌دهند. همچنین، اصلاحات به عمل آمده در سال ۲۰۱۶ مبنایی قرار گرفت که در سال ۲۰۱۸ بر اساس رتبه عملکرد هر کشور و با توجه به معرف‌های هر مؤلفه و سطح اهمیت آن مؤلفه (وزن تعیین شده برای هر شاخص) تعیین می‌شود.

این مؤسسه، از متغیرهایی صحبت می‌کند که برای افزایش ثروت ملی هر کشوری به واسطه رشد اقتصادی پایدار، حائز اهمیت هستند که عبارت‌اند از رشد میزان سرمایه‌ی سرمایه‌گذاری شده، وابستگی یا تمایل به کمک‌های خارجی، سطوح بالای آموزش، حکمرانی خوب، وابستگی پایین به صادرات کالا، هزینه‌های پایین اداری (بوروکراسی) و آزادی اقتصادی (درجه باز بودن اقتصاد). علاوه بر این، این مؤسسه تأکید بر رضایت زندگی می‌کند و آن را بسیار حائز اهمیت می‌داند و بر این اساس تأکید نموده که با ترکیب این دو عامل و با توجه به متغیرهای زیربط هر کدام، می‌توان شاخص رفاه را در هر کشوری مورد سنجش قرار داد. بنابراین، در گزارش نخست لگاتوم در سال ۲۰۰۷، در ذیل رضایت زندگی متغیرهایی به این شرح معرفی شدند: آزادی انتخاب، سلامت خوب، برابری فرصت، ایمان قوی مذهبی، سطوح بالای درآمد، آب و هوای مطلوب، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، نرخ‌های پایین بیکاری و نرخ‌های پایین طلاق. شاخص‌های مزبور گویای این هستند که هر چه شاخص‌های سلبی در جامعه‌ای کمتر باشد آن کشور به

استاندارد نهایی شاخص رفاه نزدیک‌تر می‌شود و بر عکس هر چقدر شاخص‌های ایجابی بیشتر باشد وضع رتبه رفاه در کشورها بهتر می‌باشد، بنابراین با این تصویر از مؤلفه‌ها و شاخص‌های ذی‌ربط می‌توان دریافت که هر جامعه‌ای می‌تواند تلاش کند تا سطح رفاه ملی خود را افزایش دهد.

مؤسسه لگاتوم علاوه بر سنجش رفاه، اصول و پیش‌فرض‌های این شاخص را مورد توجه قرار دهد که عبارت‌اند از:

- ۱- آزادی انتخاب برای هر کشوری بسیار مهم و حائز اهمیت است زیرا مردم باید از آزادی انتخاب بهره‌مند باشند تا بتوانند جایی را که در آن زندگی می‌کنند انتخاب و بر آن کنترل داشته باشند. زمان و منابعی که صرف می‌کنند از قوی‌ترین عوامل تعیین‌کننده رضایت زندگی آن‌ها است.
- ۲- برای کشورهای فقیر افزایش درآمد از اولویت اول برخوردار است. زیرا شواهد نشان داده‌اند که کشورهایی که به طور متوسط از درآمد سرانه کمتر از ۱۰ هزار دلار برخوردار هستند سطح رضایت مردم به همان نسبت پایین‌تر است.
- ۳- پول برای مردم مهم است اما فقط تا یک نقطه، همان طوری که متوسط سرانه به‌طور سالانه افزایش می‌یابد تا به بالاتر از ۲۰ هزار دلار برای هر فرد برسد، به همان نسبت مردم احساس رضایت قوی‌تری نسبت به کشور خود پیدا می‌کنند.
- ۴- رشد سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، قوی‌ترین عامل و پیشران رشد بلندمدت اقتصادی در هر کشوری است. سرمایه‌گذاری که توسط بخش خصوصی (برای مثال در کارخانه‌ها و تولید محصولات ماشینی) صورت می‌گیرد مهم‌ترین عامل یا متغیر ثروت مادی محسوب می‌شود.

جدول ۱- ارکان رفاه بر حسب شاخص های جزئی

شاخص ها	ارکان رفاه
<p>۱- میانگین نرخ رشد ۵ سال ۲- اعتماد به نهادهای مالی ۳- وضعیت اشتغال ۴- چشم انداز اقتصادی ۵- نرخ پس انداز ناخالص ملی ۶- دسترسی به مشاغل ۷- سرپناه و غذای کافی ۸- نرخ تورم ۹- رضایت از کیفیت زندگی ۱۰- میزان سرمایه گذاری خارجی ۱۱- وام های معوقه ۱۲- نرخ بیکاری ۱۳- صادرات فناوری های خارجی ۱۴- اندازه بازار ۱۵- میانگین سرانه سرمایه فیزیکی کارگران</p>	<p>کیفیت اقتصادی</p>
<p>۱- هزینه شروع کسب و کار ۲- سرورهای اینترنتی ایمن ۳- هزینه های تحقیق و توسعه ۴- پهنای باند اینترنتی ۵- توسعه نامتوازن اقتصادی ۶- ضریب نفوذ تلفن های همراه ۷- صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات ۸- هزینه های حق امتیاز و صدور مجوز ۹- وضعیت کارآفرینی ۱۰- تلفن های همراه در هر ۱۰۰ نفر</p>	<p>محیط تجاری</p>
<p>۱- ثبات حکومت ۲- کارآمدی دولت ۳- حاکمیت قانون ۴- تفکیک قوا ۵- کارایی قوانین و مقررات ۶- حقوق سیاسی ۷- محدودیت های سیاسی ۸- نوع دولت (دموکراتیک یا استبدادی) ۹- اقدامات فقرزدایی ۱۰- اعتماد و صحت انتخابات ۱۱- اعتماد به ارتش ۱۲- اعتماد به سیستم قضایی ۱۳- حفاظت از محیط زیست ۱۴- اعتماد به حکومت ملی ۱۵- فساد دولت و بنگاه ها ۱۶- بیان نظرات به مقامات رسمی</p>	<p>حکمرانی</p>
<p>۱- رواداری نسبت به گروه های اقلیتی ۲- آزادی های مدنی ۳- رواداری نسبت به مهاجران ۴- آزادی انتخاب</p>	<p>آزادی فردی</p>
<p>۱- میزان اعتماد به دیگران ۲- قابلیت اعتماد به دیگران ۳- وضعیت تاهل ۴- اهداء و بخشش ۵- کمک به غریبه ها ۶- حضور در مراسم مذهبی ۷- فعالیت های داوطلبانه</p>	<p>سرمایه اجتماعی</p>
<p>۱- جنگ های داخلی ۲- حمله و تجاوز ۳- بی ثباتی جمعیتی ۴- اظهار نظر سیاسی بدون ترس ۵- ظلم و بی عدالتی های جمعی ۶- پناهندگان و آوارگان ۷- مهاجرت نخبگان و مخالفان سیاسی ۸- خشونت سیاسی از سوی دولت ۹- دزدی ۱۰- پیاده روی امن در شب</p>	<p>ایمنی و امنیت</p>
<p>۱- میزان کل ثبت نام در دوره متوسطه ۲- نسبت دانش آموزان به معلمان ۳- میزان خالص ثبت نام دوره ابتدایی ۴- نسبت ثبت نام دختران به پسران ۵- میزان کل ثبت نام دانشگاهی ۶- رضایت از سیستم آموزشی ۷- میانگین تحصیلات متوسطه در نیروی کار ۸- میانگین تحصیلات دانشگاهی در نیروی کار ۹- فرصت تحصیل و آموزش برای کودکان</p>	<p>آموزش</p>
<p>۱- نرخ مرگ و میر نوزادان ۲- طول عمر ۳- نرخ معلولیت در برابر بیماری های واگیردار ۴- شیوع وبا ۵- سوء تغذیه ۶- میزان سرانه هزینه های بهداشت ۷- سطح استرس ۸- رضایت از وضعیت سلامت ۹- رضایت از شرایط فیزیکی و زیبایی محیط زیست ۱۰- تعداد تخت های بیمارستانی ۱۱- کیفیت آب ۱۲- وضعیت بهداشت و سلامت ۱۳- میزان مرگ و میر ناشی از بیماری های تنفسی ۱۴- مشکلات سلامتی و بهداشتی ۱۵- نرخ مصونیت در برابر سرخک</p>	<p>سلامت</p>

۵- وابستگی به کمک های خارجی توسعه نرخ های رشد بلندمدت اقتصادی را کاهش می دهد. سرمایه ای که توسط کشورها یا مجامع یا بنگاه های خصوصی خارجی تأمین می شوند نه فقط سبب ناکامی در افزایش سطح سرمایه گذاری در بسیاری از کشورهای فقیر می شود، بلکه ممکن است در بسیاری از موارد باعث عقب ماندگی توسعه پایدار آن ها شود.

- ۶- باز بودن اقتصادی که سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بین‌المللی نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند باعث افزایش نرخ‌های بالاتر رشد بلندمدت می‌شود. تجربه نشان داده که کشورهای با اقتصاد باز می‌توانند مبادرت به وارد کردن سرمایه خارجی و فناوری‌های نو، مهارت‌ها و تکنیک‌های تجاری مبادرت کنند، با این حال، کشورهایی که شدیداً به صادرات محصولاتی مانند نفت و گاز، وابسته هستند دارای نرخ‌های رشد پایین دراز مدت هستند.
- ۷- هزینه‌های پایین اداری (بوروکراسی) باعث افزایش نرخ‌های رشد اقتصادی می‌شوند. در هر کشوری بوروکراسی نقش روان‌سازی و برای شروع کسب و کارها، عزل و نصب کارکنان، ثبت دارایی‌ها، دریافت و کسب پروانه‌ها نقش تسهیل‌کنندگی و غیره را ایفا می‌کند.
- ۸- چالش‌های عمده در کشورهای غنی و ثروتمند در نیل به رضایت زندگی به واسطه‌ی بیماری‌های اجتماعی مثل روابط و قید و بندهای ضعیف اجتماعی تحمیل می‌شوند. برای مثال چالش دیگر در این کشورها وجود عده قابل توجهی از گروه‌های «اقلیت بدبخت» مثل بیکاران هستند. به‌علاوه شهروندان کشورهای ثروتمند با چالش‌های دیگری در مدیریت پاسخگویی به آزادی‌ها و امتیازات روبرو هستند که همراه با ثروت به وجود می‌آیند.
- ۹- برای کشورهای ثروتمند این مهم است که ثروت، نوآوری و رقابت به حداکثر برسد. با توجه به این امر این گروه از کشورها در مقایسه با دیگر کشورها تمایل به سیاست‌های اقتصادی هماهنگ دارند. بنابراین کشورهای ثروتمند در مقایسه با دیگر کشورها دارای بازارهای مقررات‌زدایی شده و شدیداً رقابتی هستند و از نظر تجاری‌سازی نوآوری دارای تکنولوژی بالا می‌باشند و میل به رشد سریع‌تر دارند.
- ۱۰- برای کشورهای ثروتمند مهم به حداکثر رسیدن ثروت، نوآوری و رقابت است. بنابراین چنین کشورهایی در مقایسه با دیگر کشورها خواهان سیاست‌های اقتصادی هماهنگ می‌باشند در عین حال که دارای بازارهای مقررات‌زدایی شده و شدیداً رقابتی هستند و از نظر تجاری‌سازی و در برخورداری از فناوری‌های بالا پیش‌تاز بوده و از رشد سریع اقتصادی برخوردار هستند.

۶- رتبه بندی رفاه کشورها بر حسب مناطق هفتگانه جغرافیایی

گزارش رفاه، جهان را به ۷ منطقه تقسیم می‌نماید بر اساس خصوصیات مشترک کشورها به تشریح و تحلیل منطقه‌ای و کشوری می‌پردازد. در گزارش کاملاً تصریح شده است که نه تنها هر یک از کشورها از نظر رتبه رفاه با یکدیگر تفاوت دارند بلکه از نظر منطقه جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و ... اختلافاتی وجود دارد. این مؤسسه در چند سطح گزارش رفاه جهانی را ارائه می‌دهد در سطح منطقه‌ای، سطح کشوری و سوم تصویر کلی از جهان. رتبه‌بندی رفاه در کشورها در چارچوب هفت منطقه صورت گرفته است. دلیل این رتبه‌بندی کشورها به صورت منطقه‌ای، خصوصیات نسبتاً متوازن و همگن کشورهاست که در بسیاری از وجوه خصوصیات مشترک دارند. اگرچه، ممکن است که درون هر منطقه کشوری از لحاظ رفاهی با کشور دیگر تفاوت داشته باشد.

همان‌طوری که جدول ۲ نشان می‌دهد در این ۷ منطقه تلاش شده هر یک از مناطق به تفکیک مورد بحث قرار گیرد. این مناطق هر کدام بر اساس متغیرهای مهم در هر کشور مورد بحث قرار می‌گیرند.

جدول ۲- رتبه‌بندی رفاه کشورها به صورت منطقه‌ای

رتبه‌بندی رفاه	کیفیت اقتصادی	معیار تجاری	حکمرانی	آزادی فردی	سرمایه اجتماعی	آب‌وهوا	آموزش	سلامت	معیار طبیعی
۱	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۲	۲
۲	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۲	۱	۱
۳	۳	۵	۴	۳	۴	۶	۵	۳	۳
۴	۴	۴	۵	۵	۷	۴	۳	۶	۴
۵	۵	۳	۳	۶	۵	۳	۴	۵	۶
۶	۶	۶	۷	۷	۶	۵	۶	۴	۵
۷	۷	۷	۶	۴	۳	۷	۷	۷	۷

این جدول نشان می‌دهد که آمریکای شمالی در میان هفت منطقه جغرافیایی جهان از نظر رفاه دارای رتبه نخست است در این منطقه، بین کانادا و مناطق مختلف ایالات متحده آمریکا استانداردهای زندگی و شرایط پایه‌ای زیست محیطی تفاوت‌های زیادی وجود دارد. کانادا و شمال شرقی ایالات متحده نسبت به سایر قسمت‌های ایالات متحده دارای ایمنی و رفاه بیشتر هستند.

بین منطقه آمریکای شمالی و اروپای غربی، از نظر رتبه‌بندی رفاه شکاف عمیقی مشاهده می‌شود. آمریکای شمالی از دو کشور کانادا و ایالت متحده تشکیل شده است که از بالاترین رونق در جهان برخوردار هستند. آمریکای شمالی در همه‌ی مؤلفه‌های شاخص رفاه از جمله کیفیت اقتصادی، محیط تجاری، سرمایه اجتماعی و آموزشی رتبه اول را دارد. این منطقه در مقایسه با اروپای غربی که از نظر آزادی فردی، ایمنی و امنیت و محیط طبیعی و نیز حکمرانی رتبه نخست را دارد، تفاوت‌هایی وجود دارد. آمریکای شمالی طبق گزارش‌های بین‌المللی از سال ۲۰۰۷ تا کنون همچنان بالاتر از اروپای غربی قرار داشته است. البته درون منطقه آمریکای شمالی در برخی از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بین ایالات متحده و کانادا تفاوت‌هایی وجود دارد. آمریکای شمالی اساساً تحت چهار رکن (مؤلفه) اساسی شاخص رفاه، آزادی فردی، حکمرانی، کیفیت اقتصادی و محیط تجاری عمل کرده است.

هر چند این دو کشور طی سال‌های گذشته افت‌وخیزهایی در برخی از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها داشته‌اند ولی در مجموع هر دو کشور همچنان رو به بهبود بوده‌اند. این بالاتر از اروپای غربی و در جهان از نظر شاخص رفاه رتبه اول جهانی را داشته است. اروپای غربی در مقایسه با آمریکای شمالی در بسیاری از مؤلفه‌های شاخص رفاه دارای رتبه نخست بوده (همانطوری که ذکر شد) و در سایر موارد در رتبه دوم قرار داشته است.

گزارش رفاه لگاتوم نیز حاکی از این است که سطح رفاه در اروپای غربی در سال ۲۰۱۸ بهبودی بیشتر پیدا کرده است. اگر چه هنوز کشورهای این منطقه از نظر رتبه‌ی رفاه پایین‌تر از کشورهای آمریکای شمالی قرار گرفته‌اند.

اما بیشترین بهبود در شاخص‌های کیفیت اقتصادی، محیط طبیعی و سرمایه اجتماعی در آن‌ها رخ داده است. این نکته قابل اشاره است که میان کشورهای اروپای غربی کشور پرتغال و قبرس با بهبودهایی مواجه شده‌اند ولی کشورهایی مثل یونان با افت رتبه رفاه و نروژ با بالاترین رتبه رفاه در این گروه قرار دارند.

نکته قابل توجه در خصوص این گروه از کشورها این است که در اروپای غربی یکی از بهبودهای اساسی در محیط طبیعی در امر پیشگیری و اصلاح بهره برداری از آب رخ داده است، همچنین بهبودهایی در امر حفاظت از دریا، این چیزی است که در دو منطقه آفریقا و جنوب صحرا و در منطقه منا با وضعیت نامطلوبی همراه است. نکته بعدی این که هیچ یک از کشورهای تعریف شده در گروه های مزبور به اندازه کشورهای اروپای غربی از لحاظ سرمایه اجتماعی رشد نکرده اند. ولی این گروه از کشورها نسبت به ایمنی و امنیت با مشکلاتی روبرو شده اند. دلیل عمده این تنزل ترورهایی است که این کشورها را تهدید می نماید. منطقه آمریکای لاتین و کاراییب در مرتبه سوم جهانی قرار گرفته است. در بین کشورهای این منطقه بالاترین رتبه به اروگوئه و پایین ترین سطح رفاه به ونزوئلا تعلق دارد. برخی از شاخص های رفاه در این منطقه، از جمله در محیط تجاری و نیز در حوزه بازار کار در چند سال اخیر افت و خیزهایی بوجود آمده است. از طرف دیگر، بازار کار در این گروه از کشورها به دلیل بهره‌وری پایین، از انعطاف پذیری مطلوبی برخوردار نبوده است. برای مثال در میان این گروه از کشورها، کشور برزیل، که از این حیث در ردیف ۱۴۸ رفاه قرار دارد. به علاوه کیفیت اقتصادی در این منطقه با مشکلاتی مواجه هستند و به دلیل سیاست های اقتصادی کلان در منطقه، استانداردهای زندگی رو به افول گذاشته است. بیکاری به عنوان یک مسئله و در عین حال یکی از متغیرهای کلان اقتصادی است که با ایجاد اشتغال قابل حل است ولی به دلیل سیاست های مزبور این مسئله رو به وخامت گذاشته است. مزید بر همه ی این شاخص ها، از دلایل عمده کاهش سطح رفاه در این منطقه دو عامل است یکی حکمرانی و دیگری فساد. این در حالی است که طبق تجارب حاصله، حکمرانی خوب عامل عمده ثبات محیط اقتصادی است. البته تحلیل حکمرانی در این منطقه یک امر پیچیده است. برای مثال در این منطقه، بالاترین سطح رای برای پارلمان یا دیگر انتخابات وجود دارد و یا طبق قانون زنان نقش زیادی یا امکان فراوانی برای ورود به پارلمان و قرار گرفتن در مناصب مختلف را دارند ولی از جنبه های دیگر، حکمرانی در این منطقه با مشکلات فراوانی روبروست.

منطقه اروپای شرقی از لحاظ رتبه رفاه در جهان، در ردیف چهارم قرار دارد. در این جا وضع به شکل دیگری قابل مشاهده است. در این منطقه سطح رفاه طی یک دهه گذشته به طور ملایم رو به افزایش بوده است به طوری که رشد متوسط آن نسبت به رشد سطح رفاه جهانی با رشد بیشتری روبرو شده است. به جز کشور اکراین سایر کشورهای منطقه در ۵

سال گذشته وضع بهتری را تجربه کرده‌اند. با این حال دو کشور جمهوری چک و لیتوانی که بجز در برخی از شاخص‌ها رشد معناداری نداشته‌اند سایر کشورها با بهبودهای نسبی مواجه شده‌اند. نکته قابل توجه دیگر این‌که در این منطقه شاخص ایمنی و امنیت در سال ۲۰۱۸ افت کرد ولی در کشورهایی مثل لهستان و کرواسی از این حیث وضع بهتری مشاهده می‌شود. کشورهایی مثل روسیه و لهستان البته با تهدیدات و اقدامات تروریستی روبرو بوده‌اند که همین امر بر ایمنی و امنیت در این کشورها تأثیر گذاشته است. نکته قابل توجه در این منطقه این است که «طلاق مخملی» یا «طلاق توافقی» دو کشور جمهوری چک و اسلواکی سبب شده هر دو کشور در سطوح دیگر رفاه بهم شباهت داشته باشند. از طرف دیگر، هردوی این کشورها از بالاترین یا قوی‌ترین سطح صادرات صنعت اتومبیل برخوردارند. این دو کشور آرام آرام به دنبال دستیابی به یک بازار کار انعطاف‌پذیر هستند. به هر روی، اروپای شرقی در دهه‌ی گذشته، با رشد قابل ملاحظه‌ای در سطح رفاه نسبت به سایر مناطق روبرو بوده است.

منطقه آسیا و اقیانوسیه در رده پنجم جهانی رفاه قرار دارد ولی در برخی از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها از جمله کیفیت اقتصادی، محیط تجاری و حکمرانی در ردیف سوم جهانی قرار دارد. در این منطقه دو کشور بزرگ پر جمعیت چین و هند واقع شده‌اند و در یک دهه‌ی گذشته، از نظر اقتصادی و بعضاً دیگر شاخص‌های اجتماعی و سیاسی با بهبودها و تحولاتی روبرو بوده‌اند. برای مثال این دو کشور نسبت به جمعیت کثیر فقیر که بخش عظیمی از آن‌ها در فقر مطلق به سر می‌برند از این چرخه خارج شده‌اند. هر دو کشور در مقایسه با کشورهای غربی، با رشد اقتصادی چشمگیری روبرو شده‌اند. در این دو کشور، یک طبقه متوسط بزرگی شکل گرفته است. به عنوان نمونه در چین در سال ۱۹۹۰، ۶۶ درصد مردم دچار فقر مطلق بودند در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۸ به ۱/۴ درصد رسیده است. در مجموع منطقه آسیا-اقیانوسیه، از لحاظ کیفیت اقتصادی و محیط تجاری، از لحاظ شاخص رفاه جهانی در ردیف ۲۷ام قرار گرفته است.

شایان ذکر است که هند در این منطقه، در دهه‌ی گذشته، به شکل جالب توجهی ظاهر شده است. طوری که درآمد سرانه در آن رو به افزایش گذاشته است و همین افزایش درآمد سرانه سایر شاخص‌های اقتصادی و مؤلفه‌های رفاه را تحت تأثیر قرار داده در نتیجه این کشور را از لحاظ شاخص رفاه جهانی از ردیف ۱۰۰ام به ردیف ۹۴ام جهانی ارتقاء داده است. به علاوه سیاست‌های خانواده، مالی و اقتصادی در این کشور اثرات خوبی را

به دنبال داشته است برای مثال، خانواده‌های فقیر و نیازمند را تشویق نموده تا مبادرت به افتتاح حساب‌های بانکی نمایند، اقدام به گسترش اینترنت و افزایش مراقبت‌های بهداشتی و درمان در این کشور کرده و به علاوه وجود بزرگترین دموکراسی و افزایش مشارکت‌های سیاسی و نیز گسترش حکمرانی در این کشور سبب افزایش سطح شاخص رفاه در هند شده است.

با وجود این، برخی از کشورهای این منطقه از جمله اندونزی و مالزی علیرغم این که رشد قابل توجهی در رشد اقتصادی و کیفیت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. با این حال، به خاطر کمبود آزادی‌های فردی و بی توجهی به اقلیت‌های دینی و قبیله‌ای با ضعف‌های جدی روبرو هستند.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) از لحاظ شاخص جهانی در رده‌ی ۱۶ام قرار گرفته است. ولی طی سال‌های اخیر روند رو به کاهشی را از این حیث طی نموده است به طوری که ۱۱ کشور از ۱۸ کشور این منطقه به شدت دچار تنزل شده‌اند. این در حالی است که شاخص رفاه در بقیه جهان در حال افزایش بوده است.

علیرغم دامنه‌ی گسترده‌ی رتبه‌های رفاه در کشورهای جزء منطقه منا این منطقه با چالش عمومی در زمینه آزادی‌های فردی روبرو بوده است. در ۱۰ سال گذشته، ایمنی و امنیت رو به تنزل گذاشته است، تعداد خروج جمعیت از کشور لیبی، سوریه و عراق به شدت افزایش یافته و منطقه با کاهش ثبات در امنیت ملی مواجه شده است. در عین حال این منطقه در زمینه محیط تجاری در حال فعالیت می‌باشد و اعتباراتی را در جهت شروع تجارت به دست آورده است. از این رو منطقه منا، دارای تعداد نامتناسبی از کشورهایی است که محیط تجاری به عنوان یکی از ارکان شاخص رفاه، طی ده سال گذشته در آن دچار کاهش و افول شده است. همچنین در این منطقه در حوزه سلامت، برخی از کشورهایی مثل مصر و الجزایر با چاقی افراد بزرگسال، مواجه شده است.

یکی از بزرگترین چالش‌ها در منطقه جنوب صحرای آفریقا، مقوله آموزش است که باید بهبود پیدا کند. اگر چه بهبودهایی در سال‌های اخیر برای مثال در نرخ ثبت نام مدرسه رخ داده اما هنوز چالش‌های بیشتری نه فقط در افزایش ثبت نام‌ها در سطوح عالی بلکه در افزایش کیفیت آموزش نیز وجود دارد.

مؤسسه لگاتوم با تصاویر ارائه شده از مناطق هفتگانه از نظر شاخص رفاه به دلایل تغییر در شاخص رفاه در کشورهای مختلف اشاره می‌کند. این مؤسسه برای ارائه این دلایل به

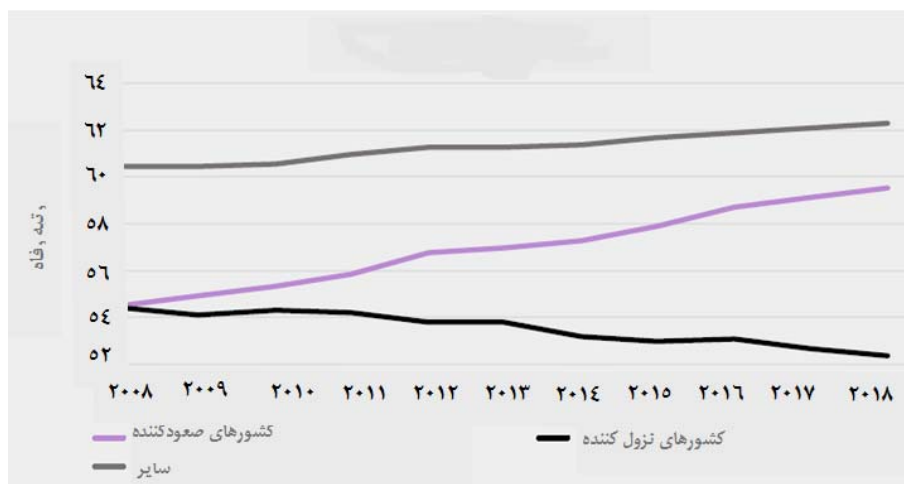
صورت‌گزینی ۲۰ کشور صعودکننده و نزول‌کننده از نظر شاخص رفاه را به‌عنوان نمونه معرفی می‌کند و دلایل این اتفاقات را بر می‌شمارد. طبق این گزارش در ۱۰ سال گذشته این دو گروه از کشورها در رده‌ی ۹۷ قرار داشتند با توجه به تنوع و گوناگونی مهمی که دیده می‌شود بعضی از کشورهای صعودکننده در سال ۲۰۱۸، به رده‌ی ۸۱ ارتقاء یافتند. در حالی‌که کشورهای نزول‌کننده در سال ۲۰۱۸ به رده‌ی ۱۱۹ تنزل پیدا کردند با این توصیف می‌توان نتیجه گرفت که اولاً بهزیستی یا خوشبختی بیش‌تر و دقیق‌تر به رفاه و تولید ناخالص ملی (GDP) مربوط می‌شود. بالا و پایین رفتن رفاه در ارتباط با بهزیستی است. در جدول رتبه کشورهای لگاتوم در سال ۲۰۱۸، ۲۰ کشور با بالاترین رده‌ی رفاه افزایشی را در بهزیستی تجربه کردند. در حالی‌که کشورهای نزول‌کننده وضعیت نامطلوب و بدتری را در بهزیستی تجربه نموده‌اند. به‌عبارت دیگر افزایش درآمد سرانه (GDP) به‌طور خاص با افزایش در بهزیستی ارتباط چندانی ندارد اگر چه کشورهای با (GDP) درآمد سرانه بالا به‌طور خاص به صعود در بهزیستی ارتباطی ندارند ولی کشورهایی با (GDP) بالا تنزلی را در بهزیستی خود تجربه می‌کنند.

ثانیاً کشورهای صعودکننده اغلب رفاه را با آرامی تجربه کرده‌اند در حالی‌که کشورهای نزول‌کننده غالباً با شدت و با سیر نزولی روبرو بوده‌اند که در واقع گویی تحت تأثیر اتفاق خاص یا شوکی در همان سطح باقی مانده‌اند.

با این حال، ایمنی و امنیت به‌عنوان یکی از ارکان رفاه در همه‌ی کشورهای صعودکننده دارای بهترین وضعیت بوده است. بر عکس در کشورهای نزول‌کننده این مؤلفه در پایین‌ترین سطح رفاه قرار دارد. در حقیقت قوی‌ترین مؤلفه یا رکن برای صعودکنندگان رفاه ایمنی و امنیت گزارش شده است.

اما طبقه‌بندی کشورها به هفت منطقه با این سوال روبروست که چه عامل یا عواملی بیشترین تأثیر را در بالا و پایین رفتن رتبه کشورها در رفاه داشته‌اند؟ مؤسسه لگاتوم عامل عمده را ایمنی و امنیت در کشورها می‌داند که برای اثبات این موضوع به ارایه نمودارهای مختلفی می‌پردازد و بیان می‌کند که کشورهایی که دارای درجه ایمنی و امنیت بالاتری بوده‌اند در گروه صعودکنندگان قرار گرفته‌اند و بر عکس کشورهایی که ایمنی و امنیت آن‌ها کاهش یافته رتبه رفاه آن‌ها رو به تنزل گذاشته و در نتیجه در گروه نزول‌کنندگان قرار گرفته‌اند. برای مثال دو کشور گرجستان و زیمباوه علی‌رغم اینکه جزو

کشورهای مرفه و توسعه‌یافته نیستند ولی در دهه‌ی گذشته با جهش مهمی در رفاه روبرو شده‌اند که خود معلول افزایش شاخص ایمنی و امنیت در میان این کشورها بوده است.



ماخذ- گزارش شاخص لگاتوم ۲۰۱۸

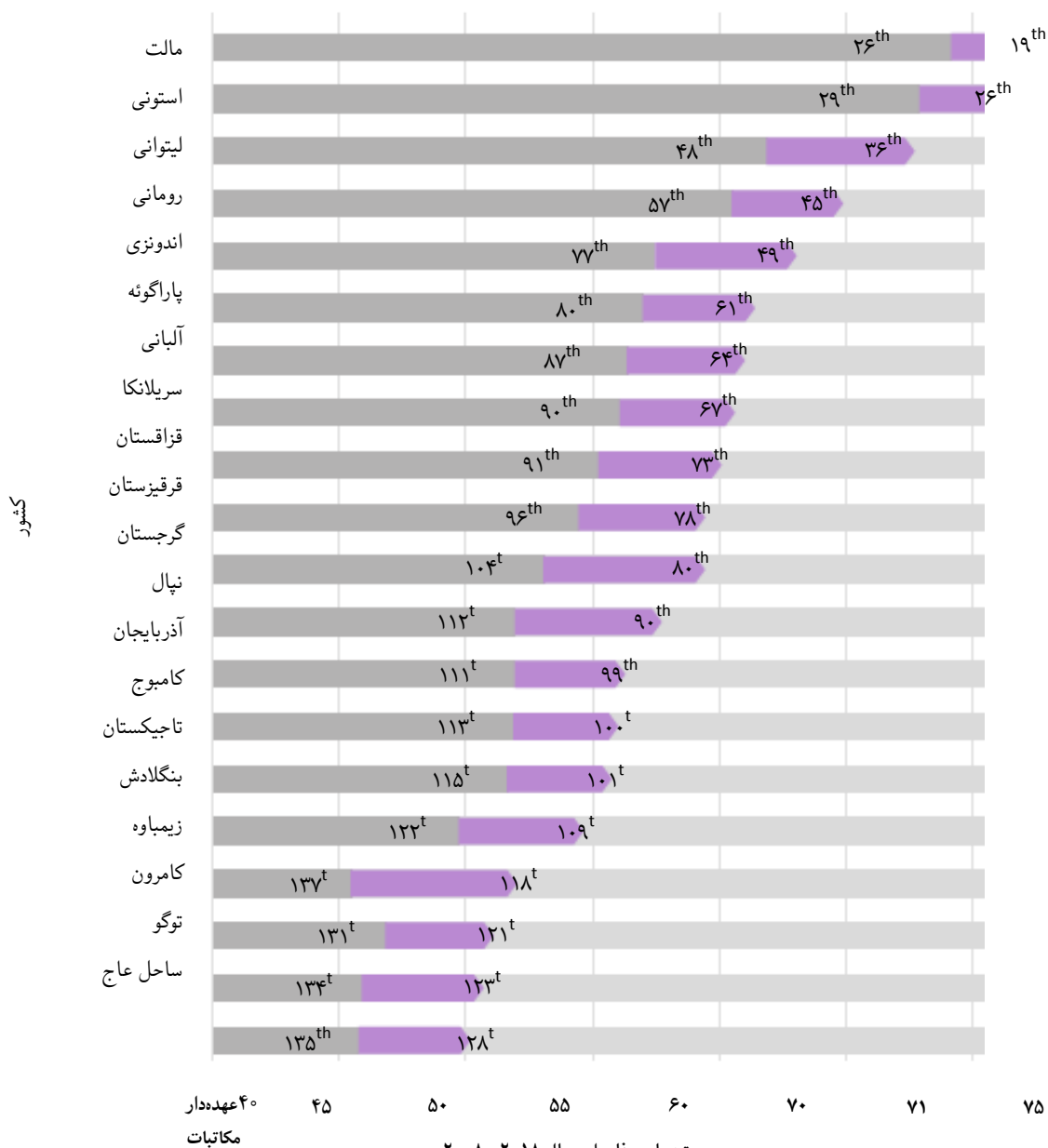
شکل ۱- رتبه رفاه

مؤسسه می‌افزاید که علاوه بر این شاخص، دلایل دیگری برای صعود کشورهای ۲۰ گانه که در سال‌های اخیر مواجه با افزایش رفاه شده‌اند وجود دارد که از جمله به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱- این کشورها در اثر تضادهای زیاد قادر شده‌اند تقریباً در همه‌ی رتبه‌های مربوط به ارکان رفاه از بهبودهای گسترده‌ای برخوردار شوند. نمونه‌ی شایان توجه از این کشورها سریلانکاست که جنگ داخلی آن در سال ۲۰۰۹ خاتمه یافت و در نتیجه رو به رفاه و بهبود گذاشت.

۲- کشورهایی مثل بنگلادش و قزاقستان در محیط تجاری و کیفیت اقتصادی خود با بهبودهایی روبرو شده‌اند و از این حیث توانستند بهزستی اقتصادی خود را بطور معناداری بهبود بخشند. به خصوص در بنگلادش، فقر مطلق از ۴/۲ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۱۴/۸ درصد در سال‌های اخیر کاهش پیدا کرده است.

۳- ارتقا یا افزایش حکمرانی که از یک سو باعث افول رژیم‌های مستبد و خودکامه شده از سوی دیگر، منجر به خروج از بی‌ثباتی سیاسی نیز شده است. محیط‌های ایمن و بیشتر مرفه برای کل جمعیت آن کشورها به وجود آمده است. در برابر کشورهای صعودکننده، کشورهای نزول‌کننده با یک تنزل رتبه در ایمنی و امنیت تنزل یافتند. همه‌ی این گروه‌ها از جمله بیش و کم با شوک‌هایی مواجه بودند. برای مثال یونان و ایتالیا دارای شوک‌های اقتصادی هستند اما دارای تاب‌آوری فرهنگی و نهادی می‌باشند که همین امر آن‌ها را از دیگر کشورهای نزول‌کننده متمایز می‌سازد. همه‌ی کشورهای نزول‌کننده برای بقا در برابر شوک فاقد ظرفیت هستند خواه با مصائب اقتصادی روبرو باشند یا از تضاد و جنگ. بسیاری از این شوک‌ها به شکل تضاد و خشونت ظاهر شدند. کشورهای متعددی در منطقه منا، مستقیماً تحت تأثیر جنگ بوده‌اند یا هزینه‌های زیادی برای جنگ در منطقه پرداخت نموده‌اند. برای مثال اردن و لبنان هر دو تحت تأثیر پناهجویان جنگ سوریه قرار گرفتند. علت دیگر تنزل رفاه مربوط به افزایشی است که در سرکوب حکومتی وجود دارد. کشورهای نظیر ترکیه و مصر با سرکوب حکومتی ناشی از کودتا روبرو شده‌اند. همچنین دو کشور تونس و تایلند با وضع مشابهی روبرو بوده‌اند. تونس در زمان بهار عربی با کاهش ایمنی و امنیت روبرو شد. به دنبال آن به طور قابل اهمیتی نزول در مؤلفه‌های رفاه بوجود آمد. در تایلند هم فقدان امنیت انسانی و هم بی‌ثباتی سیاسی سبب کاهش رفاه در این کشور شده زیرا کودتاجیان در این کشور از رفاهی که در حال رشد بود پیشگیری کردند در نتیجه به دنبال کودتای ۲۰۱۴ سطوح رضایت برای استاندارد زندگی، که دسترسی به غذا و سرپناه را میسر می‌ساخت متوقف شد.



شکل ۲- تصویری از رفاه در سال ۲۰۱۸

..... مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۳۰، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۳۷-۲۸۱

مؤسسه لگاتوم برای ارایه بهتر دلایل صعود و نزول رتبه رفاه برخی از کشورها در سال‌های اخیر علاوه بر موارد فوق استدلال‌هایی را با بیان مصادیقی از افزایش و کاهش رتبه رفاه آن‌ها بیان می‌کند که شایان توجه بوده‌اند. براساس این گزارش در سال ۲۰۱۸، سه کشور استونی، پاراگوئه و سریلانکا به‌عنوان نمونه جزء کشورهای صعودکننده هستند. بر پایه این گزارش استونی از زمان استقلال در ۱۹۹۱ تا کنون درآمد سرانه تولید ناخالص ملی‌اش (GDP) کمتر از ۲۰۰۰ دلار به بیش از ۱۸۰۰۰ دلار در میان بالاترین نرخ‌های رشد در جهان افزایش یافته است. این کشور در سال ۲۰۰۷ در جهان از رتبه ۲۹ به رتبه ۲۶ صعود کرده است. یعنی به رتبه‌ی دوم بعد از اسلوانی و در اروپای شرقی ارتقا یافته است. دلیل این امر وجود حکمرانی قوی و بهبود کیفیت اقتصادی و محیط تجاری در این کشور است که با بهبودهای بیشتر در شاخص‌های سلامت و آموزش همراه بوده است. استونی هم اکنون از لحاظ آموزش در جهان در رتبه‌ی ۱۱ جهان قرار دارد. پاراگوئه در طول دهه‌ی گذشته به بالای رتبه‌ی هفتم در مقایسه با همسایگان آمریکای لاتین در کاهش فقر و بهبود کیفیت اقتصادی موفق بوده و از رتبه‌ی ۱۰۲ در سال ۲۰۰۸ به رتبه‌ی ۷۳ در سال ۲۰۱۸ ارتقاء پیدا کرده است. با وجود این، این کشور با چالش‌های نهادی متعددی روبرو است که در این میان می‌توان به بالا بودن رتبه‌ی شاخص‌های فساد و استقلال قضایی در آن اشاره نمود. همچنین در زمینه آزادی مطبوعات با محدودیت‌هایی مواجه است. رتبه رفاه سریلانکا در ابتدا به علت خاتمه‌ی جنگ داخلی ۳۰ ساله در سال ۲۰۰۹ با افزایش مواجه شد. این امر به دلیل اتخاذ تدبیر و عقلانیت در نظام‌های خوب آموزشی و بهداشتی، برخی از اصلاحات تجاری و اقتصادی در این کشور به وقوع پیوست. با وجود این، این کشور با چالش‌های شایان توجهی در جهت حکمرانی و آزادی فردی نیز روبرو است. زیرا این کشور همچنان نیازمند وجود نهادهای قوی و دموکراتیکی است که از محیط تجاری قوی برخوردار باشند.

بر طبق نظر لگاتوم هنوز نیازهای زیادی برای تغییر وجود دارد که باید همه‌ی ملت‌ها بتوانند در اثر تغییرات از ظرفیت‌های لازم بر حسب مؤلفه‌های ۹ گانه رفاه بهره‌مند شوند. آشکار است که زمینه‌های مختلف سیاسی - فرهنگی و جغرافیایی در این کشورها بسیار مؤثر هستند زیرا در چنین زمینه‌هایی ملت‌ها می‌توانند راه‌حل‌هایی را برای تحقق ظرفیت‌هایی جدید پیدا کنند که در مقیاس بسیار وسیعی کمیاب هستند. امید است که این

شاخص‌ها بتوانند به هم‌ی رهبران و سیاست‌گذاران سیاسی کشورها به‌منظور شناخت راه‌های رسیدن به رفاه کمک کنند. به‌علاوه، این گزارش تصویری از کشورهایی که دارای رتبه نخست و آخر رفاه را در جهان هستند و کشورهایی که در تلاش بوده‌اند که رتبه رفاه خود را ارتقاء دهند در زیر نشان می‌دهد و بیان می‌دارد که:

جدول ۳- تصویری از رفاه در سال ۲۰۱۸

رتبه	کشور
۱	نروژ
۲۶	استونی
۴۵	رومانی
۶۱	پاراگوئه
۶۵	برزیل
۶۷	سريلانكا
۸۲	چین
۹۴	هند
۱۳۴	گینه
۱۴۹	افغانستان

ماخذ- گزارش ۲۰۱۸ لگاتوم

نروژ از جمله کشورهای اسکاندیناوی است که در صدر کشورها قرار دارد و در سال ۲۰۱۸ بالاترین رتبه را به لحاظ امنیت و ایمنی دارد.

استونی، در منطقه اروپای شرقی (رتبه‌ی منطقه‌ای) رتبه دوم را دارد و این رتبه بیشتر ناشی از بهبودهایی است که به طور ملایم و پیوسته در کلیه ارکان و مؤلفه‌های رفاه به عمل آورده است.

رتبه‌ی رومانی در طی ۵ سال گذشته از لحاظ شاخص‌های رفاه افزایش یافته و با بهبودهایی در همه‌ی ارکان رفاه به خصوص در فضای کسب و کار، محیط طبیعی و امنیت و ایمنی ایجاد کرده است.

موقعیت پاراگوئه در سال ۲۰۱۸ رو به بهبود و افزایش بوده است. این کشور بالاترین رتبه را در سلامت و در آزادی فردی داشته است.

برزیل، در ردیف ۶۵ جهانی قرار دارد و یکی دیگر از کشورهای واقع در آمریکای لاتین و کارائیب است که با کاهش رتبه سرمایه اجتماعی مواجهه شده است. سریلانکا، از جمله کشورهایی است که در حوزه‌ی امنیت و ایمنی به طور قابل توجهی ارتقاء داشته و در نتیجه‌ی خاتمه جنگ داخلی در آن اکنون رتبه ۸۳ را به خاطر امنیت و ایمنی کسب نموده است. البته این کشور در سال ۲۰۱۸ به خاطر کیفیت اقتصادی رتبه ۲۷ و در رتبه آزادی‌های فردی رتبه ۱۳۶ و از لحاظ سرمایه اجتماعی در رتبه ۱۴۰ قرار گرفته است، اما در مجموع در رتبه ۸۲ جهان واقع شده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد کشور هند بالاترین افزایش‌ها را در سال ۲۰۱۷ داشته است و در ۵ سال گذشته رتبه‌ی رفاهی آن ۱۹ رتبه بهبود پیدا کرده است در حالی که در سال ۲۰۱۳ رتبه آن ۱۱۳ بود در حالی که اکنون به رتبه ۹۴ جهان ارتقاء یافته است. در سال ۲۰۱۷ گینه بالاترین درآمد را داشته و این درآمد ناشی از افزایش در رفاه و محیط طبیعی و حکمرانی آن بوده است. شاخص‌های رفاه در کشور افغانستان نشان می‌دهند که پایین‌ترین رقم را در سرمایه اجتماعی داشته است. بر طبق این گزارش برخی از کشورها به دلیل عدم دسترسی لازم به داده‌ها و اطلاعات ذی‌ربط در جدول شاخص رفاه آورده نشده‌اند. این امر ناشی از جنگ یا محدودیت‌های حکومتی بوده که از جمع‌آوری و انتشار اطلاعات دقیق ممانعت به عمل آورده‌اند. که نمونه‌ای از این کشورها عبارت‌اند از: میانمار - ازبکستان - سوریه - کره شمالی - سودان جنوبی - سومالی - کوبا - هاییتی - گینه نو - پاپائو و ترکمنستان.

۷- کشورهای حاشیه خلیج فارس

مجموعه کشورهای این حوزه رتبه‌های خوبی در ایمنی و امنیت و همچنین بطور نسبی در بنیان‌های اقتصادی کسب کرده‌اند. این حوزه از کشورها در امر شاخص‌های سلامت فراتر از کشورهای سطح جهانی رفته‌اند. با وجود این نهادهای مستقر در این حوزه از کشورها چندان قوی و با ثبات نیستند، همچنین آزادی‌های فردی و حکمرانی در این کشورها با مشکلاتی روبرو هستند که عمدتاً ناشی از عدم مشارکت دموکراتیک در سیاست است. از میان ۶ کشور این حوزه در ۵ کشور آزادی مطبوعات در پایین‌ترین سطح جهانی قرار دارد.

به عنوان مثال، در کشور عمان بسیاری از فعالان، روشنفکران و شهروندان تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند، و نوشته‌ها و فعالیت‌های آن‌ها مورد سانسور قرار می‌گیرند که یک نمونه آن خاشوقچی است که به‌عنوان یک روزنامه نگار عربستانی اخیراً در ترکیه توسط عوامل عربستان سعودی به قتل رسید. بنابراین تأکید می‌شود که هیچ یک از کشورهای خلیج از آزادی مطبوعات برخوردار نیستند و عملاً مطبوعات در این حوزه از کشورها دچار محدودیت‌های جدی است. در واقع در این گروه از کشورها، وضع آزادی‌های مدنی در بدترین شرایط قرار دارد. با وجود این، این کشورها که با تعداد زیادی از کارگران مهاجر روبرو هستند از یک شرایط مناسب و قابل تحملی برخوردار شده‌اند که از این حیث رتبه خوبی از میان کشورهای جهان کسب کرده‌اند. همچنین در این گروه از کشورها بنیان‌های اقتصادی در حال بهبود هستند. در این گروه از کشورها سیاست درهای باز وجود دارد. طبق گزارش تجاری بانک جهانی، عربستان سعودی در رتبه دوم اصلاحات در میان کشورهای با درآمد بالا قرار دارد. همچنین کشور امارات متحده عربی (UAE) یکی از بالاترین رتبه‌های صعودکننده در امر تجارت را داشته است طوری که در ۱۰ سال گذشته از رتبه ۸۱ام به رتبه ۱۰ام صعود کرده است. مزید بر همه‌ی این‌ها، دارای حاکمیت قانونی قوی و مقتدری است که به مرور زمان نیز تقویت شده است. برای مثال تمامی کشورهای این حوزه از حیث استقلال قضایی رتبه‌ی بالای ۵۰ را دارند. در این حوزه از کشورها طبق گزارش‌های واصله، فساد نسبتاً در سطح نازلی قرار دارد. کما این‌که بر اساس گزارش شفافیت، کشور امارات متحده عربی از لحاظ رتبه شفافیت در مقام ۲۱ام جهانی قرار گرفته است. ولی کشورهایی مثل کویت و بحرین از این نظر به ترتیب در رتبه‌های ۱۷۲ام و ۱۸۶ام واقع شده‌اند.

کشورهای حوزه امپراطوری پارسیان قدیم بجز اسرائیل در این حوزه، و سایر کشورها به‌طور معناداری از نظر شاخص رفاه نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس در رتبه پایین‌تری قرار گرفته‌اند. این گروه از کشورها از لحاظ ایمنی و امنیت در وضعیت ضعیف‌تری قرار دارند، همچنین از نظر حکمرانی به خاطر حاکمیت ضعیف قانونی و خیم‌تر شدن یکپارچگی دولت و پایه‌های ضعیف اقتصادی در شرایط نامناسبی قرار گرفته‌اند. در این حوزه از کشورها «امنیت ملی» از مرز ایران تا مرز سوریه دارای تنزل است. در این حوزه از کشورها، تعداد زیادی از مردم سالانه در اثر جنگ جان خود را از دست می‌دهند. حملات تروریستی در سراسر این منطقه جریان دارد، که برای مثال، در

ترکیه در سال‌های اخیر این امر تجربه شده و در نتیجه این کشور را از این حیث در رتبه ۱۳۵ام قرار داده است. نقش ترکیه در کاهش رتبه حکمرانی در این حوزه بسیار با معنی است. تلاش‌های اردوغان رییس جمهور در جهت دور کردن کشور از دموکراسی سبب شده که در ده سال گذشته رتبه کشور از ۱۶۹ام به ۱۲۸ام سقوط نماید. مضافاً این‌که یکی از عوامل موثر در فساد موجود در این کشور بخش قضایی آن است. عراق در سال ۲۰۱۷ از رتبه ۱۴۵ام از نظر سطح دموکراسی به رتبه ۱۸۰ام در سال ۲۰۱۸ صعود نموده است. در همین دوره این کشور از نظر حکمرانی از رتبه ۱۴۷ام به رتبه ۱۳۸ام صعود نموده است. در ایران، ترکیه و اردن نرخ بیکاری بالای ۱۰ درصد جریان دارد. نرخ سرمایه‌گذاری در کشور ایران با دشواری‌های زیادی روبروست. شایان توجه است که کشورهای دارای ذخایر نفتی مثل ایران و عراق در بدترین شرایط از نظر محیط تجاری در جنوب این منطقه قرار دارند.

در مجموع یافته‌های این گزارش حاکی از این است که رفاه:

- ۱- به لحاظ جهانی رو به افزایش بوده و حتی به لحاظ تاریخی یک فرآیند در حال بهبودی را پشت سر گذاشته است.
- ۲- فاصله یا شکاف بین کشورهای دارای بالاترین رتبه رفاه با کشورهای دارای پایین‌ترین سطح رفاه بسیار مشهود است.
- ۳- ایمنی و امنیت در برخی از کشورها در مناطقی از جهان رو به کاهش بوده است. به طوری‌که بیشترین تنزل ایمنی و امنیت در نقاطی از خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) و جنوب صحرای آفریقا متمرکز شده است.
- ۴- ایمنی و امنیت یکی از عمده‌ترین مؤلفه‌های رفاه است. در میان آن گروه از کشورهایی که رفاه افزایش یافته یا به حداکثر رسیده ایمنی و امنیت نیز قوی‌ترین مؤلفه به حساب می‌آید در حالی که در کشورهایی که ایمنی و امنیت تنزل یافته بدترین عملکردها را داشته‌اند.
- ۵- رفاه مستقیماً به بهزیستی مربوط می‌شود و طبق گزارش‌های دریافتی از شهروندان کشورها طی ده سال گذشته بهزیستی افزایش یافته است. در کشورهایی که رتبه رفاه تنزل یافته بهزیستی آنها نیز رو به کاهش بوده است. رفاه در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۷ افزایش یافت و این بررسی‌ها نشان می‌دهند که در ۵ سال

گذشته رفاه ۱۱۳ کشور در بسیاری از بخش‌های جهان بهبود یافته است. به همین دلیل اکنون امکان ایجاد کسب و کار در بسیاری از کشورها با سهولت بیشتری مهیا شده است و نرخ‌های فقر مطلق تنزل پیدا کرده‌اند، با این حال شکاف بین کشورهای دارای رتبه بالاتر و پایین‌تر نیز گسترش یافته است. به علاوه دوره طولانی ایمنی و امنیت کوتاه شده است. با وجود این به‌طور خیره‌کننده‌ای ایمنی و امنیت در جنوب صحرای آفریقا و منطقه منا به شدت کاهش یافته است. مضافاً، تحلیل این گزارش این است که ایمنی و امنیت، در اثر کاهش چند عامل زیر در برخی از کشورها و مناطق رو به تنزل گذاشته است.

ا. تعداد انبوهی از مردم در تأمین غذا و برخی از مایحتاج زندگی در سال ۲۰۱۷ از لحاظ جهانی با مشکلات جدی مواجه بودند. به طوری که این تعداد از ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته‌اند.

ب. بر حسب گزارش‌های واصله در سطح جهان برخی از کشورها برای بدست آوردن سرپناه در برخی از نقاط جهان در سال ۲۰۱۷ در مشقت بوده‌اند به طوری که از ۲۰/۹ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۲۷/۳ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته‌اند.

ج. در سال ۲۰۰۸، از هر یک میلیون نفر ۱/۰۹ نفر قربانی عملیات تروریستی شده‌اند در حالیکه در سال ۲۰۱۸ این رقم به ۳/۸۲ نفر رسیده است.

د. در سال ۲۰۰۸، در هر یک میلیون نفر ۲/۸۰ نفر در اثر درگیری جان خود را از دست داده‌اند در حالی که در سال ۲۰۱۸ این رقم به ۶/۱۳ نفر رسیده است.

گزارش نیز می‌افزاید که به اعتبار تحولاتی که درون کشورها رخ داده رفاه در جهان رو به افزایش است و اکنون تقریباً به بالاترین حد خود رسیده است (جدول رتبه‌بندی کشورها در گزارش) با نگاهی به وضعیت رفاه در جهان در چند سال گذشته متوجه می‌شویم که در سال ۲۰۱۷ تنها ۱۵ کشور با بهبود در شاخص‌ها روبرو بودند، این در حالی است که در سال ۲۰۱۳، ۱۳ کشور با بهبود رفاه روبرو بودند. افزایش رتبه رفاه در جهان به این معنا نیست که متناسب با آن برابری هم بهبود پیدا کرده است. داده‌ها در سطح جهان نشان می‌دهند این بهبودها به یکسان در کشورها رخ نداده است بلکه شکاف بین بالاترین رتبه‌ها و پایین‌ترین به‌طور ملایم از سال ۲۰۱۳ به این سو رو به افزایش بوده است طوری که این شکاف در سال ۲۰۱۸ به بالاترین حد خود رسید. زیرا شاخص رفاه مؤید این است که

فضای کسب و کار نقش مؤثری در این بین داشته است این شاخص در بسیاری از نقاط جهانی رو به افزایش بوده است.

در واقع، داده‌های مربوط به شاخص رفاه‌گویای این است که این شاخص در هر منطقه رو به افزایش بوده است. جدول داده‌های مربوط به شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تغییر در رتبه کشورها طی ده سال گذشته در آسیا - آفریقای جنوب صحرا و اروپای شرقی رخ داده است. به عبارت بهتر فضای کسب و کار یکی از عمده‌ترین محرک‌های بهبود در فضای کارآفرینی در این مناطق است. آفریقای جنوب صحرا به خصوص بالاترین بهبود را در دسترسی آسان در امر تجارت مهیا ساخته است.

در میان این کشورها آمریکای شمالی از نظر فضای کسب و کار در بالاترین جایگاه و بر خلاف آن منطقه منا (MENA) از این حیث در پایین‌ترین سطح خود قرار گرفته است. آمریکای شمالی در سال ۲۰۱۸ به خاطر بهبود در آزادی فردی، حکمرانی و کیفیت اقتصادی قویترین کشور در منطقه است. در حالی که منطقه منا با شرایطی روبروست که سبب شده که دو شاخص آزادی فردی و سرمایه اجتماعی در بدترین وضعیت باشند به علاوه منطقه منا بخصوص حقوق قانونی را در این سال به بدترین وجه خود داشته است که ناشی از عدم وجود آزادی‌های مدنی است.

ایمنی و امنیت نیز در سطح جهان همچنان رو به تنزل است. و این تنزل در پنج منطقه از هفت منطقه جهان اتفاق افتاده است. یافته‌های لگاتوم حکایت از این واقعیت می‌کنند که کاهش امنیت بیشتر در شرایط زندگی مردم روی داده است طوری که بالاترین تنزل از لحاظ جغرافیایی در مناطق آمریکای لاتین و کارائیب، به تبع عدم وجود غذای کافی و سر پناه و همچنین افزایش کمی مرگ‌های تروریستی در یک روند بلندمدتی مشاهده می‌شود. گزارش مزبور نیز نشان می‌دهد که اروپای شرقی یکی از قویترین مناطقی است که در سال ۲۰۱۸ از نظر رفاهی ارتقاء یافته است. رشد صعودی این منطقه ناشی از بهبودهایی است که در محیط کسب و کار، محیط طبیعی و آزادی فردی رخ داده است. کشورهای این منطقه مثل لیتوانی - رومانی - استونی بالاترین صعود را در ۵ سال گذشته داشته‌اند. از این رو، این منطقه چهارمین جایگاه را در جهان با بهترین رتبه در شاخص آموزش، به خود اختصاص داده است.

به‌طورکلی بالاترین سطح رفاه در سال ۲۰۱۸ در آمریکای شمالی که شامل ایالت متحده آمریکا و کانادا می‌شود اتفاق افتاده است. شاخص‌های رفاه نشان می‌دهند که کانادا در

مؤلفه‌ها و همه‌ی ارکان رفاه به جز در «سرمایه اجتماعی» با بهبودهایی روبرو بوده است اما ایالات متحده در همه‌ی مؤلفه‌های رفاه به جز «محیط طبیعی» با بهبود روبرو شده است. در عین حال ایالت متحده رتبه‌ی بالاتر از کانادا داشته است که منجر به تغییر در کل رتبه‌ی جهانی آن نشده و همچنان در رتبه هفدهم قرار گرفته است. کانادا از رتبه‌ی یازدهم به هشتم ارتقاء پیدا کرده است.

در گزارش لگاتوم یکی از عمده‌ترین شاخص‌ها «ایمنی و امنیت» به عنوان پایه بنیادین شاخص رفاه است زیرا ایمنی برای مردم شامل مسکن و تغذیه می‌شود و شدیداً بستگی به درآمد کافی و ایمن برای مردم دارد. بنابراین شاخص‌های فقر و رضایت با درآمد معنا پیدا می‌کنند. به عنوان مثال آمریکای شمالی که یک منطقه با حداکثر رفاه است نسبت به اروپای غربی در حوزه ایمنی و امنیت پس از اروپای غربی قرار دارد. در حالی که شاخص‌های استاندارد زندگی با رتبه‌ی مشابه از آن اروپای غربی می‌باشد. دو کشور کانادا و آمریکای شمالی دارای تفاوت‌های زیادی نیز هستند بنابراین حائز اهمیت است که به سطح زیر ملی برای فهم الگوهای رفاه توجه شود.

گزارش رفاه لگاتوم، نیز حاکی از این است که سطح رفاه در اروپای غربی در سال ۲۰۱۸ بهبودی بیشتر پیدا کرده است. اگر چه هنوز کشورهای این منطقه از نظر رتبه‌ی رفاه زیر کشورهای آمریکای شمالی قرار گرفته‌اند اما بیشترین بهبود در شاخص‌های کیفیت اقتصادی، محیط طبیعی و سرمایه اجتماعی آنها رخ داده است. این نکته قابل اشاره است که در میان کشورهای اروپای غربی کشور پرتغال و قبرس با بهبودهایی مواجه شده‌اند ولی کشورهایی مثل یونان با افت رتبه رفاه و نروژ با بالاترین رتبه رفاه در این گروه قرار دارند. نکته قابل توجه در خصوص این گروه از کشورها این است که در اروپای غربی یکی از بهبودهای اساسی در محیط طبیعی در امر پیشگیری و اصلاح و بهبود بهره‌برداری و نیز در امر حفاظت از دریا رخ داده است. این چیزی است که در دو منطقه آفریقا و جنوب صحرا و در منطقه منا با وضعیت بسیار نامطلوبی همراه است. نکته بعدی این‌که هیچ یک از کشورهای تعریف شده در گروه‌های مزبور به اندازه کشورهای اروپای غربی از لحاظ سرمایه اجتماعی رشد نکرده‌اند با این حال نسبت به ایمنی و امنیت با مشکلاتی روبرو شده‌اند. دلیل عمده این امر تروریسم است که این کشورها را تهدید می‌نماید. از طرف دیگر، داده‌های جدول ۳ (جدول مناطق) حاکی از این است که بجز شاخص ایمنی و

امنیت سایر شاخص‌های رفاه با رشد مواجه شده‌اند. شاخص‌ترین افزایش‌ها در مؤلفه‌های رفاه در منطقه آسیا در سال ۲۰۱۸ به هند، بنگلادش و هنگ کنگ تعلق دارد. ویژگی عمده شاخص‌های رفاه این منطقه مربوط به محیط تجاری آن‌هاست که رشد قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. اما از حیث آزادی‌های فردی، این منطقه وضعیت چندان مطلوبی ندارد هرچند در سه سال گذشته قدری رو به بهبود گذاشته است.

در این منطقه، کشور هند اگرچه در سطح رفاه جهانی رتبه ۹۴ را دارد ولی در ۵ سال گذشته از حیث حکمرانی رتبه قابل توجه را بدست آورده است زیرا اعتماد شهروندان به حکومت افزایش یافته است. به علاوه، بهبودهایی در فقر مطلق و افزایش در شاخص محیط کارآفرینی این کشور اتفاق افتاده است. افغانستان در این منطقه جزو کشورهای است که به دلیل افت سرمایه اجتماعی و برخی دیگر از شاخص‌ها وضع نامطلوبی دارد. با همه این احوال این منطقه با رفاه اقتصادی روبرو شده است. چین و هند از جمله پرجمعیت‌ترین کشورهای این منطقه هستند که کم از فقر مطلق در حال دور شدن هستند و بهبودهایی در این خصوص روی داده است. در این منطقه یک طبقه متوسط در کشورها در حال گسترش است. طوری که انتظار می‌رود سطح استاندارد زندگی رفته رفته رو به بهبود بگذارد. زیرا در این کشورها سطح دسترسی به آب سالم، برق، اینترنت و اتومبیل رو به گسترش گذاشته است. با این حال منطقه با قوت‌ها و ضعف‌هایی روبرو است. کشورهای مثل مالزی و اندونزی رشد اقتصادی قابل توجهی را پشت سر گذاشته‌اند که محصول عملکرد مطلوب در محیط تجاری و کیفیت اقتصادی آن‌ها بوده است. با وجود اینکه این منطقه در بهبود آزادی فردی از لحاظ مذهبی با ضعف‌هایی روبرو بوده ولی این امر احتمالاً تا حدی ناشی از حفظ ثبات سیاسی باست که سبب شده رشد اقتصادی از ثبات برخوردار شود. نکته‌ای که ذکر آن شایان توجه است این است که بهبودهای اقتصادی که در چین رخ داده است تقاضاهایی را برای آزادی سیاسی و نفوذ و قدرت بوجود می‌آورد.

در خاورمیانه و آفریقای شمالی، اسرائیل از لحاظ رتبه رفاه در ردیف ۱۳۷ام و یمن در رتبه ۱۴۷ام قرار دارند. در کل این منطقه، اصطلاحاً منطقه منا (MENA)، چالش آزادی‌های فردی وجود دارد. در این منطقه ایمنی و امنیت نیز با چالش جدی روبروست. در برخی از کشورهای این منطقه مثل سوریه، عراق و یمن در ۱۰ سال گذشته جنگ و تهدیدهای جدی وجود داشته است. نکته دیگر در این منطقه این است که کشورهای موصوف در آن از یک عدم تناسب با یکدیگر برخوردار هستند. در حوزه سلامت، در برخی از کشورهای

منطقه به‌عنوان مثال در کشورهای الجزایر و مصر چاقی در میان بزرگسالان یک مسئله قابل توجهی است.

از طرف دیگر رفاه در این منطقه، به طور کلی در ۱۰ سال گذشته با رکود مواجه شده است. در این منطقه مساله حجاب (Veils) در سه نقطه داخل منطقه منا تفاوت ایجاد کرده است یکی در کشورهای شبه جزیره عربی به استثناء یمن، دوم کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس که رفاه در آن‌ها بالاست و در واقع سطح رفاه آن‌ها نزدیک به متوسط جهانی است و نهایتاً، در کشورهای آفریقای شمالی و آن دسته از کشورهای امپراطوری قدیم پارسی، از ترکیه در غرب تا ایران در شرق هستند. در سال ۲۰۰۷ این کشورها از سطح رفاه مشابهی برخوردار بودند. اما در سال‌های اخیر، این دسته از کشورها دچار واگرایی شده‌اند یعنی سطح رفاه کشورهای آفریقای شمالی در دهی گذشته با کاهش روبرو شدند. کشورهای امپراطوری قدیم پارسی بهبود بسیار ضعیفی را از سال ۲۰۰۷ تجربه کرده‌اند بطوری‌که از پایین‌ترین نرخ نسبت بر نرخ متوسط جهان برخوردار شده‌اند.

۸- جایگاه ایران در شاخص رفاه لگاتوم

کشور ایران در شاخص رفاه جهانی سال ۲۰۱۸ رتبه ۱۰۸ را کسب کرده که نسبت به سال گذشته (۲۰۱۷) ۹ رتبه ارتقاء یافته است.

در جدول رتبه رفاه جهانی رتبه ایران در سال ۲۰۱۸ به ترتیب زیر شاخص‌های نه گانه مؤسسه لگاتوم عبارت است از:

کیفیت اقتصادی رتبه ۹۴، محیط تجاری رتبه ۱۱۵، حکمرانی رتبه ۱۲۶، آزادی فردی رتبه ۱۴۲، سرمایه اجتماعی رتبه ۵۵، ایمنی و امنیت رتبه ۹۸، آموزش رتبه ۷۷، سلامت رتبه ۶۲، محیط طبیعی رتبه ۹۹. به نظر می‌رسد، این کشور برای رسیدن به سطح بالای رفاه، فاصله زیادی را طی کند که مستلزم تلاش مستمر و زیاد است.

برای این‌که تصویر بهتری از جمهوری اسلامی ایران از نظر شاخص رفاه ارائه شود جدول ۴ وضع این شاخص را در یک دهه گذشته بر حسب مؤلفه‌های زیربط نمایش داده است. داده‌های موجود در این جدول نشان می‌دهند که این کشور برای رسیدن به یک وضعیت قابل قبول در همه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و مطابق آنچه در جدول ۱ نمایش داده شده است باید اقدامات مستمری را به عمل آورد. این کشور برغم

ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که در منابع طبیعی، منابع انرژی، منابع انسانی و منابع فیزیکی دارد به هر دلیلی هنوز نتوانسته از این ظرفیت‌ها به نحوه بهینه و مطلوب استفاده کند. بنابراین در یک رقابت جهانی و حتی در مقایسه با گذشته خود برگرفتاری‌های آن افزوده خواهد شد و در نتیجه به جای پیشرفت دچار عقب‌ماندگی و از دست دادن ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی بیشتر می‌شود مگر اینکه مشکلات خود را در عرصه‌های یاد شده از جمله کیفیت اقتصادی، محیط تجاری، حکمرانی و آزادی فردی و غیره بهبود بخشد. بی تردید رفع همه این مشکلات برای رسیدن به سطح قابل قبول نیازمند برنامه‌ریزی‌های جدید و بهبود روابط داخلی و بین‌المللی است. امروز جامعه ایران از بحران‌های جدی رنج می‌برد که رفع هر یک از آن‌ها اقدامات همه‌جانبه و هم‌گرای بین بخش خصوصی، جامعه مدنی و دولت را می‌طلبد. دولت (حاکمیت) باید نسبت به وظایف ذاتی خود مسئولیت‌پذیر باشد، حدود منافع ملی را تعریف کند، نسبت به حفظ ارزش پول ملی و نیز ارزش آن بکوشد، برنامه‌های مشارکت‌های اجتماعی، اقتصادی و اجرایی را در دستور کار خود قرار دهد، امید را در جامعه را ارتقاء دهد، تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی جامعه را در برابر مشکلات اقتصادی و گرفتاری‌های متعدد داخلی و خارجی بالا ببرد، فضاهای باز اقتصادی و سیاسی ایجاد کند تا رفته رفته مردم به خود باوری برسند و در نتیجه اعتماد عمومی افزایش یابد. وقوع تدریجی همه این موارد یعنی ارتقاء سطح شاخص‌های عمده رفاه. ولی اگر در این مسیر گامی برداشته نشود و برعکس فرصت‌سوزی شود و یا فرصت‌های پیش رو یک به یک از کف بروند هزینه‌های جبران آن‌ها بسیار بالا خواهد رفت. تصویر وضع موجود کشور را نه تنها می‌توان در جدول رتبه شاخص رفاه جهانی دید بلکه این وضع را می‌توان در میان کشورهای اسلامی به نحوه بارزتری مشاهده نمود. (جدول ۵).

جدول ۴ - جایگاه ایران در شاخص رفاه لگاتوم طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸

ردیف	شاخص	رتبه رفاه									
		۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹
۱	کیفیت اقتصادی	۹۴	۱۰۳	۱۱۴	۱۰۵	۱۱۴	۹۱	۷۰	۹۷	۷۹	۷۹
۲	محیط تجاری	۱۱۵	۱۲۲	۱۱۴	۹۲	۹۳	۹۳	۹۵	۸۸	۸۶	۶۹
۳	محیط طبیعی	۹۹	۱۱۳	۱۱۱	-	-	-	-	-	-	-
۴	آموزش	۷۷	۷۵	۷۱	۶۵	۵۷	۵۷	۵۷	۶۴	۵۷	۵۹
۵	سلامت	۶۲	۹۵	۹۲	۶۷	۶۷	۶۷	۶۶	۶۱	۶۰	۷۰
۶	ایمنی و امنیت	۹۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۶	۱۲۳	۱۲۵	۱۰۰	۹۹	۸۲
۷	حکروایی	۱۲۶	۱۳۳	۱۳۶	۱۲۲	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۶	۱۰۷	۱۰۵	۱۰۲
۸	آزادی فردی	۱۴۲	۱۴۴	۱۴۵	۱۳۱	۱۲۸	۱۲۶	۱۲۵	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۱
۹	سرمایه اجتماعی	۵۵	۷۰	۷۴	۱۱۵	۱۱۱	۱۲۰	۱۲۱	۱۰۷	۱۰۶	۸۲
	میانگین جهانی	۱۰۸	۱۱۷	۱۱۸	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۱	۱۰۲	۹۷	۹۲	۹۴

ماخذ - شاخص رفاه جمهوری اسلامی ایران در گزارش‌های شاخص رفاه لگاتوم از سال ۲۰۱۸-۲۰۰۹ - برگرفته از جداول رتبه رفاه کشورها

۹- جایگاه ایران در میان کشورهای اسلامی (منطقه منا) در شاخص جهانی رفاه

جایگاه ایران از لحاظ جغرافیایی در منطقه منا قرار دارد که در جدول ۵ این موقعیت نمایش داده شده است. حال این موقعیت را می‌توان در میان کشورهای اسلامی مورد توجه و بحث قرار داد.

جدول ۵- کشورهای اسلامی در منطقه منا

کشورها	مولفه ها	کیفیت اقتصادی	محیط تجاری	حکمرانی	آزادی فردی	سرمایه اجتماعی	ایمنی و امنیت	آموزش	سلامت	محیط طبیعی
امارات متحده عربی	۱۸	۲۰	۵۱	۱۱۹	۲۵	۲۸	۵۳	۱۰	۵۰	
مالزی	۲۲	۲۳	۴۷	۱۲۴	۲۷	۵۵	۴۱	۳۸	۴۴	
قطر	۲۳	۳۵	۶۱	۱۰۴	۳۰	۴۲	۷۵	۵	۶۷	
اندونزی	۵۰	۴۹	۴۲	۱۱۵	۱۲	۴۹	۷۱	۹۴	۷۰	
بحرین	۹	۴۵	۸۸	۱۱۸	۱۹	۶۲	۵۷	۲۳	۱۱۳	
کویت	۴۳	۹۷	۹۹	۱۰۵	۲۹	۴۷	۹۳	۲۱	۶۳	
عمان	۶۲	۵۲	۹۸	۱۰۸	۶۸	۲۹	۷۶	۳۳	۱۲۹	
عربستان سعودی	۵۱	۷۲	۹۶	۱۳۵	۴۹	۸۰	۸۰	۴۰	۷۶	
اردن	۱۱۲	۱۱۰	۷۶	۱۲۲	۷۹	۶۵	۸۶	۶۶	۶۹	
ترکیه	۵۵	۹۶	۹۳	۱۱۳	۱۰۰	۱۱۰	۸۳	۵۰	۷۵	
آذربایجان	۸۳	۶۹	۱۱۹	۱۱۲	۱۳۷	۵۹	۵۲	۶۹	۱۳۹	
تونس	۱۱۹	۹۹	۷۳	۱۲۰	۱۳۵	۷۷	۱۰۳	۸۱	۸۱	
مراکش	۹۶	۸۴	۱۲۰	۱۳۰	۱۳۴	۴۵	۱۱۷	۹۱	۵۵	
لبنان	۱۰۳	۱۰۷	۱۳۵	۱۱۴	۵۵	۹۸	۱۷	۶۲	۹۹	
ایران*	۹۴	۱۱۵	۱۲۶	۱۴۲	۹۷	۶۱	۱۱۱	۱۰۰	۱۳۵	
بنگلادش	۸۵	۱۲۳	۸۹	۱۰۱	۹۷	۶۱	۱۱۱	۱۰۰	۱۳۵	
الجزایر	۱۱۵	۱۳۵	۱۲۸	۱۴۵	۱۲۰	۵۷	۱۰۲	۸۰	۱۰۲	
نیجریه	۱۳۹	۶۶	۱۰۷	۱۱۱	۴۸	۱۴۳	۱۲۳	۱۴۳	۱۰۴	
لیبی	۱۲۶	۱۴۵	۱۴۷	۱۳۲	۴۳	۱۴۱	۸۷	۵۶	۱۳۸	
مصر	۱۲۱	۱۰۹	۱۱۷	۱۴۹	۱۴۱	۹۷	۱۰۵	۱۰۱	۸۴	
پاکستان	۱۰۴	۱۱۷	۹۲	۱۲۷	۱۰۷	۱۳۶	۱۲۴	۱۲۲	۱۴۸	
عراق	۱۱۷	۱۴۷	۱۳۸	۱۴۱	۶۶	۱۴۹	۱۳۲	۱۲۸	۱۴۲	
سودان	۱۴۴	۱۴۴	۱۴۰	۱۴۷	۱۰۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۲۶	۱۴۴	
یمن	۱۴۹	۱۴۸	۱۴۸	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۴	۱۳۵	۱۲۷	۱۳۷	
افغانستان	۱۳۰	۱۳۷	۱۴۳	۱۴۸	۱۴۹	۱۴۸	۱۴۵	۱۳۵	۱۴۷	

ماخذ- گزارش شاخص لگاتوم ۱۸ ۲۰- برگرفته از جداول رتبه رفاه کشورها

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایران در بین کشورهای اسلامی از نظر رتبه رفاه جایگاه برجسته‌ای ندارد. در جدول ۶ بالاترین رتبه به کشور مالزی و پایین‌ترین آن به افغانستان تعلق دارد. درباره علل و عوامل مؤثر در چنین وضعیتی پیشتر در بحث منطقه‌ای شاخص رفاه بحث شد ضمن این‌که ارقام مندرج در این جدول و سایر جداول به حد کافی روشن و بی‌نیاز از توضیح هستند.

جدول ۶- رتبه رفاه کشورهای اسلامی در منطقه منا

رتبه سال ۲۰۱۸	رتبه سال ۲۰۱۷	کشورهای اسلامی	ردیف
۳۹	۳۹	امارات متحده عربی	۱
۴۴	۴۲	مالزی	۲
۴۶	۴۷	قطر	۳
۴۹	۵۹	اندونزی	۴
۵۱	۶۲	بحرین	۵
۶۶	۸۰	کویت	۶
۶۹	۷۳	عمان	۷
۸۶	۷۸	عربستان سعودی	۸
۹۱	۹۲	اردن	۹
۹۳	۸۸	ترکیه	۱۰
۹۹	۱۰۶	آذربایجان	۱۱
۱۰۲	۹۴	تونس	۱۲
۱۰۳	۹۷	مراکش	۱۳
۱۰۷	۱۰۵	لبنان	۱۴
۱۰۸	۱۱۷	ایران*	۱۵
۱۰۹	۱۱۱	بنگلادش	۱۶
۱۱۶	۱۱۶	الجزایر	۱۷
۱۲۹	۱۲۸	نیجریه	۱۸
۱۳۳	۱۳۶	لیبی	۱۹
۱۲۲	۱۲۰	مصر	۲۰
۱۳۶	۱۳۷	پاکستان	۲۱
۱۳۴	۱۴۲	عراق	۲۲
۱۴۵	۱۴۷	سودان	۲۳
۱۴۷	۱۴۹	یمن	۲۴
۱۴۹	۱۴۶	افغانستان	۲۵

ماخذ- گزارش شاخص لگاتوم ۱۸-۲۰- برگرفته از جداول رتبه رفاه کشورها

۱۰- بحث و نتیجه گیری

از آن جا که احساس برخورداری از رفاه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است باید در جستجوی راه‌هایی بود که بتوان آن را افزایش داد. بی‌تردید عدم توجه به رفاه اجتماعی باعث گسترش نارضایتی و در نتیجه شکاف بین «مردم با یکدیگر» و نیز «مردم و دولت و عوامل قدرت» می‌شود. زیرا چنانچه خلاف این امر وقوع یابد و افراد به لحاظ اجتماعی و فضای عمومی در جامعه نگران شوند، به فردگرایی پناه برده و سعی خواهند نمود که برای آینده شخصی خود سرمایه‌گذاری کنند و در عمل درصدد امنیت شخصی خویش بر

آیند که نتیجه منطقی آن کاهش روحیه جمع‌گرایی خواهد بود. بنابراین، اگر چنین امری روی دهد اعتماد اجتماعی و در نهایت احساس بیگانگی اجتماعی افزایش خواهد یافت. برعکس چنانچه عدالت اجتماعی در سطح جامعه فراهم باشد مردم احساس امید به آینده، جامعه و وضعیت کشور خود خواهند داشت و سرمایه‌های اجتماعی کشور علاوه بر این که پیش شرط توسعه اجتماعی خواهد شد نشان‌دهنده برخورداری مردم از رفاه اجتماعی نیز خواهد شد. همچنین موضوع اعتماد و ارتباط با مسئولان و وجود مکانیزم‌هایی برای تعدیل بی‌اعتمادی و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به صورت مستقیم در احساس امنیت اجتماعی و روانی و همین‌طور رضایت اجتماعی در احساس برخورداری از رفاه اجتماعی مؤثر واقع شود. اما برای ارتقاء شاخص رفاه در یک کشور نمی‌توان به یک یا چند مؤلفه و عامل عمده اتکاء نمود بلکه همه شاخص‌های ذی‌ربط باید به یک نسبت رشد و ارتقاء پیدا کنند. گزارش شاخص رفاه لگاتوم به خوبی اهمیت این موضوع را در سطوح منطقه‌ای و در تک تک کشورها نشان می‌دهد که این تجربه قابل توجه و حتی از نظر روش‌شناسی بسیار پر اهمیت است.

با این مختصر روند، شاخص‌های رفاه جمهوری اسلامی ایران در میان رتبه‌های رفاه جهانی بیانگر این است که این کشور جایگاه چندان مطلوبی ندارد زیرا شاخص رفاه کشور جمهوری اسلامی ایران حتی از متوسط جهانی هم بسیار پایین‌تر است. این کشور تنها در سه شاخص سرمایه اجتماعی (با رتبه ۵۵)، سلامت (با رتبه ۶۲) و آموزش (با رتبه ۷۲) در حد متوسط جهانی است و در سایر مؤلفه‌های اساسی رفاه در میان کشورها با پایین‌ترین رتبه رفاهی در جهان قرار دارد. حتی در میان کشورهای اسلامی از نظر شاخص رفاه جایگاه برجسته‌ای ندارد. زیرا در میان ۲۵ کشور (جدول ۵) در ردیف ۱۵م قرار دارد. مشکل جمهوری اسلامی از این نظر در عقب‌ماندگی یا ضعف به ترتیب در شاخص‌های عمده آزادی‌های فردی (با رتبه ۱۴۴)، حکمرانی (با رتبه ۱۳۳)، محیط تجاری (با رتبه ۱۲۲)، ایمنی و امنیت (با رتبه ۱۱۹) و محیط طبیعی (با رتبه ۱۱۳) است. بنابراین این کشور هر ساله با همت و اراده هر چه بیشتر باید این فواصل را کم نماید. ولی به راستی وقتی این اتفاق می‌افتد که اقدامات اساسی را برای تحقق شاخص‌های خرد ذیل هر یک از مؤلفه‌ها و یا شاخص‌های عمده مزبور بردارد. به علاوه از نظر راهبردی برای رسیدن به حداقل متوسط جهانی باید در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اولویت‌بندی و در عین حال در ذیل هر یک از شاخص‌های کلی رفاه اقدامات اساسی

انجام دهد. یکی از اولین قدم‌ها در این ارتباط تغییر رویکرد از دولت محوری به حکمرانی خوب است یعنی ایفای نقش دولت در مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، پاسخگویی، رفع فساد و گسترش آزادی‌های مدنی و در کل حرکت به سمت تقویت مثلث دولت، جامعه مدنی و بازار.

توضیحات

1. Report Of Legatum Prosperity Index

۲. منظور از استاندارد در این متن عبارت است از نظمی مبتنی بر نتایج ثابت علوم، فنون و دستاوردهای بشری که به صورت قواعد، مقررات و نظام‌هایی برای ایجاد هماهنگی و وحدت رویه، افزایش تفاهم و تسهیل ارتباطات به کار می‌رود.

مرجع‌ها

- [۱] اعلامیه حقوق بشر مصوبه (۱۹۴۸).
- [۲] باری، نورمن (۱۳۹۳). رفاه اجتماعی، اکبر میرحسینی، مرتضی نوربخش (مترجمان)، تهران، انتشارات سمت.
- [۳] دادگر، یداله؛ شفیعی سردشت، جعفر؛ تازیکی‌نژاد، علی (۱۳۸۹). مقایسه اجمالی رژیم‌های رفاهی، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۹۱-۱۲۰.
- [۴] سازمان بهزیستی، نظام جامع رفاه (۱۳۷۹).
- [۵] سن، آمارتیا (۱۹۹۲). توسعه یعنی آزادی، محمدسعید نوری نایینی (مترجم)، نشر نی، تهران.
- [۶] عمران، حیدرقلی (۱۳۵۵). مقدمه‌ای بر بیمه‌های اجتماعی از دید توسعه اقتصادی - اجتماعی، چاپخانه سکه.
- [۷] فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۲). نظریه رفاه - سیاست اجتماعی چیست؟، هرمز همایون پور (مترجم)، انتشارات موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- [۸] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹).
- [۹] کاپلستون، فردریک (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه از بن‌تام تا راسل، جلد هشتم: بهاء‌الدین خرمشاهی (مترجم)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
- [۱۰] ماکارو، دیوید (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی ساختار و عملکرد، جغتایی، محمدتقی، فریده همتی (مترجمان)، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- [۱۱] هزارجریبی، جعفر، صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۰). رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و مطالعه موردی شهر تهران، شماره ۵، ص ۱۱.
- [۱۲] یزدانی، فرشید (۱۳۹۴). مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۳۶.
- [13] Ken, B. (2003), Social Policy an Introduction, Open University Press.
- [14] Report of Legatum Index (2018). Extracted from Countries Welfare Ranking Tables.
- [15] Reports of Legatum Index, (2008–2018).
- [16] Reports of Legatum Index, (2009–2018).

سعید طاهری

دانشجوی دکتری اقتصاد سلامت

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع بزرگراه شهید چمران، دانشگاه تربیت مدرس.

رایانشانی: s.taehri@modares.ac.ir

مریم حسین‌زاده

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی

تهران، سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

رایانشانی: mhoseinzadeh15@yahoo.com